

## بررسی تأثیر مزارات<sup>۱</sup> در توسعه‌ی ساختار شهری شهر تبریز از دوره‌ی ایلخانی تا صفوی



لیدا بلیلان اصل\*

استادیار دانشکده معماری و هنر، واحد تبریز، دانشگاه آزاداسلامی، تبریز، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

فهیمة دوستار\*\*

کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر، واحد تبریز، دانشگاه آزاداسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۲/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۷/۷

### چکیده:

شهر تبریز پیشینه‌ای کهن دارد که مدیون موقعیت جغرافیایی و اقلیمی مناسب آن است. این وضعیت جغرافیایی تبریز را از دیرباز به یک مرکز زیستگاهی همیشگی مبدل کرده است. این شهر در قرون اولیه‌ی اسلامی بر محوریت مسجد جامع، بازار، میدان و قصر حکومتی گسترش یافت. در دوره‌ی ایلخانی، با انتقال مرکز حکومت از مراغه به تبریز توسط آباوقان بیش از پیش، مورد توجه عرفاء، شعراء، اولیاء و وزرای زیادی از مناطق مختلف ایران و ممالک همجوار گردید. این افراد در زمان حیات خود در شهر، در برخی از مواقع باعث پدیدآمدن فضاهای معماری جدیدی همچون زوایا و خانقاه شدند که پس از فوت نیز، اغلب شاهد شکل‌گیری مزارات و حظیره‌ها به عنوان فضاهای جدید شهری پس از اسلام هستیم. این روند همچنان تا اواسط حکومت صفوی و اعتبار شهر تبریز به عنوان پایتخت ادامه داشته است. سؤال اصلی مقاله حول این موضوع است که آیا مزارات عرفاء، شعراء، اولیاء و وزراء تأثیری در توسعه‌ی ساختار شهری حال شهر تبریز در دوره‌ی پایتختی این شهر یعنی ایلخانی و صفوی داشته است؟ از این رو، هدف از این پژوهش بررسی تأثیر مزارات در توسعه‌ی ساختار شهری شهر تبریز از قرون ۷ الی ۱۰ ه.ق. یعنی دوران حکومت ایلخانی تا صفوی در تبریز می‌باشد. برای اثبات این موضوع نیز معرفی کتاب‌هایی چون روضات الجنان، روضه اطهار، اولادالاطهار و منظر الاولیاء لازم بنظر می‌رسد. برای دستیابی به هدف اصلی پژوهش، گردآوری اطلاعات به روش توصیفی با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. همچنین تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده به شیوه تحلیلی-تطبیقی صورت پذیرفته است. یافته‌های پژوهش حاکیست در دوره‌ی ایلخانی مزارات یکی از عوامل مؤثر در احداث باروی‌های غازی بوده‌اند. همچنین شکل‌گیری حظیره‌ها و آرامگاه‌های افراد مشهور تأثیر چشمگیری در گسترش برخی از راه‌ها از جمله راه ارتباطی دو مجموعه‌ی ربع‌رشدی و شنب‌غازان در شرقی‌ترین و غربی‌ترین نقطه‌ی شهر و مکانیابی برخی از عناصر شاخص معماری از جمله عمارت دمشقیه، مقبره شاه حسین ولی و خانقاه کمال خجندی و به تبع آن فضاهای شهری همچون مجموعه سیدحمزه که بنام مقبره الشعرا نیز شهرت یافته است؛ داشته‌اند. علاوه بر آن وجود این حظیره‌ها و تجمع قبور منجر به شکل‌گیری گورستان‌های معروفی همچون سرخاب، گجیل، چرنداب و قله در شهر تبریز گشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: مزارات شهر تبریز، ساختار شهری تبریز، تبریز ایلخانی، تبریز صفوی.

## مقدمه

بهتر الگوی ریخت‌شناسی شهر می‌دانند. در این دیدگاه عملکردهای مختلف شهری شامل عملکرد مذهبی، اداری، تجاری و حمل و نقل در بررسی ساخت شهر مدنظر می‌باشد (بزرگر ۱۳۸۲، ۵۲). بدین ترتیب، منظور از ساخت کالبدی شهر، عناصر شاخص تشکیل‌دهنده‌ی شهر و عملکرد و محل قرارگیری آنهاست. از طرفی اسلام نیز تأکید ویژه‌ای بر طرح شهرها در جهت کارایی و پاسخگویی بیشتر به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه داشته است و ساختار شهر اسلامی-تاریخی عمدتاً وابسته به مکان است (علی‌زاده و حبیبی ۱۳۹۰، ۷۱)؛ چراکه اصول طراحی آن از طریق اعتقادهای فرهنگی-مذهبی و اصول اجتماعی مورد کنکاش قرار می‌گیرند و فضاهای گورستانی و مزارات نیز در زمره‌ی مهمترین اعتقادات فرهنگی-مذهبی قرار می‌گیرند. تأثیر این اعتقاد در ساختار شهر تبریز در دوره‌های مختلف حکومتی و بخصوص در زمان‌هایی که تبریز پایتخت بوده است؛ به وضوح دیده می‌شود.

جمله‌ی «معماری... از آراستن گورها... آغاز شد» (دورانت ۱۳۷۲، ۲۰) اشاره به اهمیت فضای گورستان داشته و گورستان را می‌توان تجلی معمارانه نگرش مردم به پدیده‌ی مرگ دانست. در فرهنگ‌های گوناگون برخوردهای متفاوتی با مردگان صورت می‌گیرد و ایران پس از اسلام، مکانی است که در آن به دفن مردگان پرداخته و مرگ، گور و در ادامه، گورستان اهمیت خاصی دارد (حقیق و شوهانی‌زاد ۱۳۹۰، ۸۳). علاوه بر آن، گورستان‌ها بسته به افرادی که در آنجا دفن شده‌اند؛ کیفیت‌های فضایی متفاوتی به خود می‌گیرند و از آنجا که «بی‌شک آرامگاه بعد از مسجد مهم‌ترین بنای دوره اسلامی است که در بیشتر شهرهای ایران دیده می‌شود» (کیانی ۱۳۸۶، ۵۳)؛ این فضاهای جدید در بسیاری از موارد در توسعه و یا ساخت شهر نقش اساسی داشته‌اند. برخی ساخت شهر را به معنای طراحی کالبدی و استخوان‌بندی شهر و نیز الگوی کاربری اراضی و به عبارت

جدول ۱. دسته‌بندی سیاحان و مورخان که در دوره‌های مختلف حکومتی از تبریز صحبت کرده‌اند (مارکوپولو ۱۳۳۷؛ ذکاء ۱۳۶۸؛ ابن بطوطه ۱۳۳۷؛ کلاویخو ۱۳۳۷؛ اولیاء چلبی ۱۳۳۸؛ شاردن ۱۳۳۵؛ ونیزیان ۱۳۴۹) (تهیه و تنظیم: نگارندگان).

دوره	پادشاه	ذکر وقایع دوره از زبان سیاحان	دوره	پادشاه	ذکر وقایع دوره از زبان سیاحان
ایلخانی (قرن ۷ تا اواسط قرن ۸)	جهانشاه	اولیا چلبی (۱۰۵۰ ق.) شاردن (۱۰۸۴ ق.)	قراقویونلو (قرن ۹)	آباقاخان	سیاح مارکوپولو (۶۶۹ ق.)
	اوزون حسن	ونیزیان (۸۷۸ ق.)	آق‌قویونلو (اواخر قرن ۹)	غازان خان	وزیر رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۸-۷۱۸ ق.)
	سلطان خلیل	قاضی احمد غفاری قزوینی (۹۷۲ ق.)		اولجایتو	وزیر تاج‌الدین علیشاه (۷۲۴ ق.)
	سلطان یعقوب	بازرگان گمنام (۹۲۶ ق.)		ابوسعید بها در خان	سیاح ابن بطوطه (۷۲۷ ق.)



فرانسیسکو رومانو (بازرگان گمنام) (۹۲۶ ق.)	شاه اسماعیل اول	اوایل صفوی (قرن ۱۰)	غیاث الدین کججی تبریزی (۷۷۰ ق.)	اويس بهادر خان	شیخ بهادر	جلایریان و تیموریان (اواسط قرن ۸ تا اواسط قرن ۹)
وینچنتو دالساندری (۹۷۸ ق.)	شاه تهماسب اول		سیاح کلاویخو (۸۰۶ ق.)	غیاث الدین سلطان احمد بهادر		
حسن بیگ روملو (۹۸۴ ق.)				تیموریان: مقر حکومت در هرات، حاکم تبریز جهانشاه		
			محمد بن خاوند شاه (۹۰۰ ق.)	سلطان حسین بایقرا		

بر وجود مزارات متعدد این افراد که در جای جای این شهر دفن گشته‌اند؛ از کتاب‌های بسیار معتبری همچون روضات الجنان نوشته‌ی حافظ حسین کربلایی به سال ۹۷۵ ه.ق.، روضه اطهار نوشته‌ی ملاحشری به سال ۱۱۰۱ ه.ق.، اولاد الاطهار نوشته‌ی سید محمد صادق طباطبائی تبریزی به سال ۱۳۰۰ ه.ق. و منظر الاولیا نوشته‌ی محمد تبریزی به سال ۱۳۱۵ ه.ق. قابل تحقیق است. جدول ۲، دسته‌بندی بسیار دقیقی بر اساس مطالعه‌ی کتاب‌های مذکور از اولیاء، عرفا، علما و وزرا به تناسب ۵ دوره در حدفصل قرون ۷ الی ۱۰ هجری ارائه می‌نماید. همچنین جهت اطمینان بیشتر سایر اندک مطالعات انجام یافته در رابطه با موضوع پژوهش نیز تحت عنوان پیشینه‌ی پژوهش بررسی شده است. در پژوهش حاضر برای پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش در پنج دوره از قرن ۷ الی ۱۰ هجری از یک روش که خود شامل چند مرحله می‌باشد؛ استفاده شده است.

۱. مرحله‌ی اول: مطالعه و بررسی کتاب‌های روضات الجنان، روضه اطهار، اولاد اطهار و منظر الاولیاء و شناسایی و دسته‌بندی افراد و مزارات ذکر شده به ترتیب اولویت تاریخی (بر اساس جدول ۲).

۲. مرحله‌ی دوم: استفاده از نحوه‌ی معرفی مزارات در کتب مذکور جهت شناسایی عناصر معماری و شهری تبریز در دوره‌های قبل.

۳. مرحله‌ی سوم: استناد بر مطالب سیاحان و مورخان که

أباقاخان در سال ۶۶۳ ه.ق. پایتخت را از مراغه به تبریز منتقل نمود. در زمان ایلخانان به جز مدت کوتاهی در زمان پادشاهی اولجایتو (محمد خدابنده) از سال‌های ۷۰۳-۷۱۶ ه.ق. که تبریز و سلطانیه همزمان پایتخت بودند؛ در بقیه‌ی زمان‌ها تبریز پایتخت و مقر حکومت بوده است؛ و در زمان غازان خان ایلخانی تبریز دستخوش تغییرات شهری و معماری زیادی گشت (بهنام ۱۳۴۸، ۴۱۹؛ مشکور ۱۳۵۲، ۴۱۹).

پس از ایلخانان در اوایل قرن ۸ ه.ق. جلایریان نیز در این شهر به حکومت و اداره‌ی بخشی از ایران امروزی پرداختند. در اواخر قرن هشتم که تیموریان در سمرقند و هرات حکومت می‌نمودند؛ تبریز همچنان شهر مهم و مرکز مهم سیاسی- فرهنگی به شمار می‌رفت و پس از آن در قرن ۹ و ۱۰ هجری و در دوره قراقویونلوها و آق‌قویونلوها تا اواسط حکومت شاه تهماسب صفوی به سال ۹۶۲ ه.ق. تبریز پایتخت اصلی بوده است (پاکزاد ۱۳۹۰، ۳۶۰). در طی دوره‌های مذکور سیاحان زیادی از تبریز دیدن کرده و اطلاعات بسیار مفیدی را در قالب سفرنامه‌ها ارائه نمودند (جدول ۱).

### منابع و روش پژوهش

بر اساس فرضیه‌ی این مقاله، مزارات عرفاء، شعراء، اولیاء و وزراء تأثیرات زیادی در توسعه‌ی ساختار شهری شهر تبریز داشته است. اثبات فرضیه‌ی پژوهش، علاوه

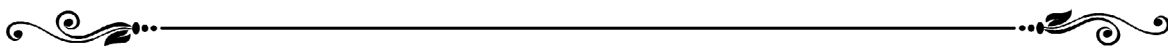




در دوره‌های مختلف از تبریز دیدن کرده‌اند و تطبیق  
 ۴. در نهایت: تطبیق یافته‌های مراحل قبل و پاسخگویی به  
 سؤال اصلی پژوهش.  
 مطالب سفرنامه‌های این افراد با اطلاعات کتاب‌های می‌نماید.

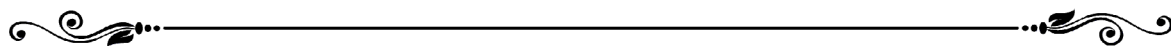
جدول ۲. جدول منتخبی از اسامی عرفا، شعرا، امرا و اولیا در قرون ۷ الی ۱۰ ه.ق.  
 (کربلایی، ۱۳۳۵؛ ملاحشری، ۱۳۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۹؛ منظرالاولیا، ۱۳۸۸) (تهیه و تنظیم: نگارندگان).

مزارات	عرفاء	شعراء	امراء - وزراء	اولیاء
قبل از قرن ۷	ابو عبدالرحمن بقی بن مخلد اندلسی (۲۷۶ق.)، بابا ترک (قرن ۳)، پیر باب (قرن ۳-۴)، بابا فرج (۵۶۸ق.)، خواجه ایمن مشهور به بابا شادان بن آشوب (۵۹۵ق.)	ملک الشعرا منخلص به خاقانی (۵۸۲ق.)	امیر مضر بن عجیل، ابودجانه انصاری، علی بن مالک اشتر، فرقد بن زید، حارث بن امیه (۵۲۵)، امیه [ضمری] پدر عمرو، (وفات این افراد در سالهای اولیه هجرت)	عین علی و زین علی، اسامه بن شریک، عبدالصمد و عبدالکریم، عبدالله بن مسعود الانصاری، ابومحجن الثقفی (۵۲۲)، احمد چپ، سهراب، عمران، عبدالله الامین، قدمگاه حضرت رسالت پناه، امام واحدی (۴۶۸ق.)، قیس رضی الله (۵۵۰ق.)، امام ابومنصور محمد حفده العطار الطوسی (۵۶۰ق.)، (وفات افراد بدون تاریخ در سالهای اولیه هجرت)
ایلخانی (قرن ۷ تا اواسط قرن ۸)	بابا حسن (۶۱۰ق.)، بابا مزید (۶۲۰ق.)، خواجه عبدالرحیم ازآبادی (۶۵۵ق.)، شیخ شمس الدین محمد طبری (۶۷۷ق.)، خواجه صاین الدین یحیی تبریزی (۶۸۳ق.)، بابا محمود (۶۹۱ق.)، شیخ شرف الدین درجزینی (۷۴۳ق.)، شیخ ابوبکر بن اسمعیل تبریزی سله باف، پیرحاجی حسن، عمادالدین حمدبن محمودبن احمدبن الحسن، حضرت پیر شیخی، خواجه محمد خاکشو، پیر کله، پیر دده شاه (قرن ۷)	عزالدین محمد ولدجلال الدین محمد (۶۷۱ق.)، مولانا قطب الدین محمود المشتهر بعلامه (۶۷۱ق.)، خواجه هماد الدین تبریزی شاعر (۷۱۳ق.)، مولانا بهاءالدین (محمد) خاکی (قرن ۷)، مولانا حافظ حسن کمانکش، مولانا شکرالله قاری وخلف صدق وی مولانا معین الدین (اواسط قرن ۸)	سلطان محمود و ایاز (۵۶۸ق.)، قاضی عزالدین خواجه رشیدالدین فضل الله (۷۱۸ق.)	امام فخرالدین رازی (۶۰۶ق.)، ابی حامد افضل الدین محمدبن اسعد بن الفقیه محمود التبریزی (۶۷۷ق.)، سید حمزه (۷۱۷ق.)، امام طلحه (اواسط قرن ۸)





<p>پیر عمادالدین، امیر علی چپ (اواخر قرن ۸)</p>	<p>سیدمختار امیر عبدالغفار (عبدالوهاب) (۸۱۷ق.)، خلف صدق خواجه رشید: خواجه غیاث الدین محمد رحمهما الله تعالی (قرن ۹)</p>	<p>عبدالله تبریزی خواجه عبدالحی خوشنویس اسدی تخلص (قرن ۹)</p>	<p>مولانا سراج الدین یوسف (۷۱۵ق.)، مولانا فخرالدین احمد (۷۴۶ق.)، مولانا نظام الدین عبدالصمد (۷۶۶ق.)، مولانا (کمال الدین) عبدالقادر نخجوانی (۸۰۱ق.)، مولانا کمال الدین الباکویی (۸۱۳ق.)، پیر قندیلی (قنبوری) (اواخر قرن ۸)، مولانا غیاث الدین محمد رحمه الله، بابا اسماعیل، بابا احمد قمچی باف و مولانا محمد ازآبادی، پیر شرفشاه (قرن ۹)</p>	<p>جلالریان و تیموریان (از اواسط قرن ۸ تا اواسط قرن ۹)</p>
<p>-</p>	<p>مولانا تاج الدین علی منشاری و مولانا احمد اره گر رحمه الله تعالی (قرن ۹)</p>	<p>خواجه عبدالرحیم خلوتی (۸۵۹ق.)، مولانا شرف الدین محمود (قرن ۹)</p>	<p>حضرت شیخ کمال خجندی (۸۰۳ق.)، خواجه شجاع الدین کربالی (۸۳۷ق.)، پیر سلیمان شاه جوهری (۸۴۶ق.)، شیخ اسحق (۸۵۰ق.)، شیخ امیرمشکی و پیر وی مولانا محمد مجذوب گربه خور، درویش پیر لیفی، پیر ترک (قرن ۹)</p>	<p>فراقیونلو (قرن ۹)</p>
<p>شاه حسین سرپلی (۸۶۱ق.)، خواجه علی بن خواجه محمد کججی (۸۸۴ق.)</p>	<p>قاضی علی (۸۸۳ق.)</p>	<p>مولانا محمد شیرین المغربی (۸۱۰ق.)، مولانا ابومحمد نورالدین عبدالرحیم البزازی (اواخر قرن ۹)</p>	<p>درویش سراج الدین قاسم، دده عمر (۸۹۱ق.)، بابا دوستم، پیری حمامی، حاجی حسن ادهمی، حضرت دده و حضرت احمد چلبی، پیر ترابی (اواخر قرن ۹)</p>	<p>آق قویونلو (اواخر قرن ۹)</p>
<p>هفت تن از اولیاء رحمهم الله (میر مست (قرن ۱۰)</p>	<p>شرف الدوله میرزا ابراهیم خان (قرن ۱۰)</p>	<p>مولانا شمس الدین محمد خطاط (۹۳۰ق.)، مولانا شمس الدین محمد معرف تبریزی (۹۶۸ق.)، مولانا مالک قزوینی دیلمی (۹۶۹ق.)، مولانا ابوتراب (۹۹۳ق.)، (استاد بهزاد (قرن ۱۰)</p>	<p>درویش پیرحسین، بابا بختیار (۹۱۰ق.)، مولانا برهان الدین حافظ تبریزی (۹۲۲ق.)، پیر ممد (۹۲۸ق.)، اخی خیرالدین (۹۴۰ق.)، شیخ محمد گازر خسروشاهی (۹۴۲ق.)، بابا بلال (۹۵۳ق.)، مولانا عبدالعلیم (۹۵۶ق.)، پیر نبی (۹۵۸ق.)، درویش شیخ محمد سیاه پوش (۹۵۹ق.)، پیر موسی (ولد خواجه نجم الدین برک باف)، پیر ستاره، سلطان میر حیدر تونی، پیر حداد، مولانا شهاب الدین واعظ، پیر مجدالدین موسی، خواجه نعمت الله مشهور به شیخی بیگ (خرزی (قرن ۱۰)</p>	<p>اوایل صفوی (قرن ۱۰)</p>



### پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در رابطه با موضوع مقاله‌ی حاضر به دو دسته‌ی عام و خاص تقسیم‌بندی می‌شوند. دسته‌ی عام از جمله مقالات «بررسی و مقایسه طشت آب‌های قبور در آرامگاه‌های تخت‌فولاد و آرامنه‌ی اصفهان» (شاهمندی ۱۳۹۲) و مقاله «سفیدچاه، نمایه‌ای فراتر از یک گورستان» (علی‌نژاد ۱۳۹۳) و همچنین مقاله‌هایی نظیر «دخمه‌های دوران اشکانی و ساسانی در حاشیه‌ی زاگرس» (حیدری ۱۳۷۹) و «سنگ‌افراشته‌های مزارات باخزر» (لباف‌خانیکی ۱۳۶۹) و در دسته‌ی خاص، مقالاتی نظیر «مزارات چرنداب تبریز» (میرجعفری و بزازدستفروش ۱۳۸۸)، «مزارات بیلانکوه» (میرجعفری و بزاز دستفروش ۱۳۹۱)، «آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان آرامنه‌ی تبریز (ریشه‌یابی و تبیین دلایل وجودی)» (کبیرصابر ۱۳۹۱) و همچنین گزارش «مرمت گنجینه‌ای از مقبره‌ی عرفاء و بزرگان در گورستان شادباد مشایخ تبریز» (محمدی ۱۳۹۲) قرار می‌گیرند. به طور کلی، مطالب پژوهش‌های انجام شده در هر دو دسته مذکور را می‌توان به دو قسمت تقسیم‌بندی نمود: ۱. بررسی مصالح، تزئینات و نوع معماری قبور در فرهنگ‌های مختلف بر اساس باورها و اعتقادات؛ ۲. معرفی برخی افراد معروف در یک گورستان تاریخی مشخص. با توجه به تقسیم‌بندی فوق، پژوهش‌های مختص شهر تبریز در این زمینه را می‌توان بدین شرح بیان نمود. مقاله‌ی آثارسنگی تمدن اسلامی در گورستان آرامنه‌ی تبریز که به بررسی سنگ‌مزارها و نحوه‌ی نشو و نمود این مقابر در گورستان آرامنه‌ی تبریز با ریشه‌یابی نوع و فرم تزئینات این مقابر در رابطه با باورها و مذهب آرامنه می‌پردازد. همچنین به این نکته نیز اشاره می‌کند که برخی مقابر از مکان‌های دیگر به این گورستان منتقل شده‌اند که چون اصالتاً متعلق به این مکان نیستند باعث همجواری آثار هنری برخاسته از دو ایدئولوژی متفاوت اسلامی و مسیحی در کنار هم شده و نهایتاً هنجار معنایی محیط را گرفتار نوعی ناهمگونی ساخته است (کبیر صابر ۱۳۹۱). گزارشی در باب مرمت گنجینه‌ای از مقبره عرفاء و بزرگان در گورستان شادباد مشایخ تبریز که به بررسی و شناسایی مقابر عرفاء و

شعراء و حظیره بابا احمد که شامل محوطه‌ای با حصار کوتاه سنگی در دورتادور آن است. همچنین اشاره به این موضوع که بخش‌های مختلف گورستان توسط گذرهایی که دیوارهایی کم‌ارتفاع از جنس سنگ می‌باشد؛ به یکدیگر وصل شده‌اند (محمدی ۱۳۹۲) و مقالات مشابه در دسته‌ی عام نیز همین روند را برای شهرهایی چون اصفهان و مازندران بررسی کرده‌اند. سایر مقالات نیز، اختصاص به بررسی مقابر و گورستان‌های ایرانی در دوره‌های تاریخی مختلف و سنگ‌افراشته‌های نمادین موجود در برخی از آنها دارند (حیدری ۱۳۷۹؛ لباف خانیکی ۱۳۶۹).

در رابطه با تقسیم‌بندی دوم که به معرفی افراد مدفون در گورستان‌های تاریخی اختصاص یافته به دو مقاله با عنوان مزارات چرنداب تبریز و مزارات بیلانکوه تبریز برمی‌خوریم که در هر دو به معرفی گورستان و دسته‌بندی مزارات به دو دوره (تا پیش از قرن ۷ و از قرن ۷ تا ۹) پرداخته‌اند. این مقالات، علاوه بر استناد به کتاب‌های روضات‌الجنان و محمد تبریزی، مزارات گورستان‌های چرنداب و بیلانکوه را از طریق بررسی میدانی معرفی و تشریح می‌نمایند (میرجعفری و بزازدستفروش ۱۳۸۸؛ ۱۳۹۱).

از مرور سابقه‌ی موضوع چنین برداشت می‌شود که پژوهش‌های انجام شده اکثراً با هدف شناسایی شماری از افراد معروف در یک گورستان مشخص و معرفی این افراد و همچنین نوع مصالح یا معماری و در برخی موارد تزئینات موجود در این مزارات صورت گرفته‌اند؛ در حالیکه هدف از مقاله حاضر علاوه بر شناسایی و مکانیابی افراد مهم مدفون در شهر تبریز و اطراف آن، بررسی تأثیر مزارات در توسعه‌ی ساختار شهری شهر تبریز از قرن ۷ الی ۱۰ ق. می‌باشد. جهت تدقیق مواضع و دستیابی به هدف اصلی مقاله، ابتدا ساختار شهر تبریز در قرون اولیه اسلامی مطالعه شده و سپس بدنه‌ی مقاله بر اساس حکومت‌های موجود به پنج دوره تقسیم گردیده است. همچنین جهت مکانیابی مزارات علاوه بر استناد بر منابع نوشتاری معتبر، از اطلاعات نقشه دارالسلطنه قراجه داغی<sup>۳</sup> تهیه شده به سال ۱۲۹۷ ق. / ۱۸۸۰ م. به عنوان اولین نقشه‌ی دقیق ترسیم شده از شهر تبریز در دوران سنت استفاده شده است.



## ساختار شهر تبریز در قرون اولیه اسلامی

در سده‌ی دوم هجری، نخست رواد ازدی در تبریز فرود آمد و سپس وجناء بن رواد. او و برادرانش قصری در آن بساختند و شهر را به حصار مستحکم کردند و مردم نیز بدان جای روی آوردند (بلاذری ۱۳۴۶، ۱۶۹؛ احمدبن ابی یعقوب ۱۳۴۳، ۳۶۱؛ ابن فقیه ۱۳۴۹، ۱۲۷)؛ سپس در زمان متوکل عباسی در سال ۲۴۴ ه.ق. زلزله‌ای حادث شد که حافظ حسین چنین توصیف می‌نماید: تبریز در سنه اربع و اربعین و ماتین (۲۴۴ ق. / ۲۳۷ ش. / ۸۵۸ م.) در زمان متوکل عباسی، چنان بزلزله خراب شد که اثر آن نماند. متوکل امر کرد باز بحلیه عمارت درآوردند تا در سنه ثلاث و ثلاثین و اربعمائه (۴۳۳ ق. / ۴۲۰ ش. / ۱۰۴۱ م.) در زمان القائم بامرالله عباسی باز بزلزله خراب گشت؛ القائم بامرالله امر کرد بملازم خود وهسودان ابن محمدالروادی که پدر امیر مملان است؛ تبریز را عمارت کند. امیر وهسودان بعمارت تبریز مشغول شد؛ ابوطاهر منجم از روی حساب نجوم چنان یافته بود که تبریز باز بزلزله خواهد شد؛ مردم آنچه توانستند از شهر بیرون رفتند بجانب سرخاب و نظاره شهر می‌کردند. باز امیر وهسودان بن محمد در همان تاریخ بعمارت تبریز مشغول شد؛ شبی در خواب باو نمودند که برخیز، دست در عمارت بنه... روز دیگر برخاست و چهار مرد را که همه مردم متفق بودند بولایت ایشان حاضر گردانید... بر چهارگوشه مسجد جامع تبریز بایستادند و ابوطاهر منجم مذکور اختیار وقت کرده بود... هریک از آن اولیا بر چهار گوشه مسجد سنگی نهادند و مسجد جامع را تمام کردند و مقصوره مسجد بدست قاضی ابوصالح شعیب ابن صالح تمام شد (کربلائئ تبریزی ۱۳۴۴، ۱۷).

در همین سال‌ها سیاح ناصر خسرو نیز از تبریز دیدن کرده و شهر را اینگونه توصیف می‌نماید: بیستم صفر سال ۴۳۸ ق. به شهر تبریز رسیدم؛ آن شهر قصبه آذربایجان است؛ شهری آبادان. طول و عرضش به گام پیمودم؛ هریک ۱۴۰۰ بود. پادشاه ولایت آذربایجان ابومنصور وهسودان بن محمد بود. حکایت کردند که بدین شهر در شب پنجشنبه سال ۴۳۴ ق. زلزله افتاده و بعضی شهر خراب شده و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده و چهل هزار آدمی هلاک شده بودند.

در تبریز قطران نام شاعری را دیدم (ناصر خسرو ۱۳۵۴، ۷). با توجه به توصیفات شهر تبریز در این دوران، هسته‌ی مرکزی شهر شامل قصر حکومتی، مسجدجامع، میدانی بزرگ و بازار می‌باشد که در دوره‌های بعد تأثیر مزارات را به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری در توسعه هسته مرکزی در ساختار شهری شهر تبریز می‌توان مشاهده کرد (تصویر ۱).

همانگونه که از تصویر منتج می‌گردد؛ هلاکوخان بارویی برگرد نطفه اولیه شهر احداث نمود که در دوره‌های بعدی شاهد چگونگی توسعه‌ی هسته‌ی مرکزی شهر خواهیم بود.

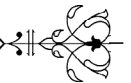


تصویر ۱. ساختار شهر تبریز در قرون اولیه اسلامی (تهیه و تنظیم: نگارندگان)

### ۱. تأثیر مزارات در توسعه‌ی ساختار شهری شهر تبریز در دوره‌ی ایلخانی از قرن ۷ تا اواسط قرن ۸ ه.ق.

آباقخان در سال ۶۶۳ ه.ق. پایتخت را از مراغه به تبریز منتقل نمود. آخرین باروی شهر تبریز قبل از این تاریخ و در زمان هلاکو (۶۵۱-۶۶۳ ه.ق.) با محیطی برابر ۶۰۰۰ گام<sup>۳</sup> و ۱۰ دروازه بر گرداگرد شهر تبریز ساخته شده بود (حمدالله مستوفی ۱۳۳۶، ۱۵۳)؛ که در شکل شماره ۱ دیده می‌شود. قبل از این سال‌ها، قصر حکومتی (بلاذری ۱۳۴۶، ۱۶۹؛ ابن فقیه ۱۳۶۱، ۵۶۱) و جامع در میان شهر (مقدسی ۱۳۶۱، ۵۶) ساخته شده بودند. همچنین شهر دارای قلعه و سور و بازاری بوده است (ذکاء ۱۳۶۸). سیاح مارکوپولو که در سال ۶۶۹ ق. از تبریز دیدن کرده شهر تبریز را اینگونه توصیف می‌نماید: «شهری آباد که در ایالت عراق





و زین علی (قرن ۱ ه.ق.) بر فراز کوه های سرخاب در شمال شهر تبریز (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۳۶) اشاره نمود. قبل از معرفی و نحوه ی مکانیابی مزارات و حصول تأثیرات مزارات در ساختار شهر تبریز، معرفی برخی عناصر معماری-شهری بر روی نقاشی شاردن و مینیاتور مطراچی برای اثبات مکانیابی مزارات لازم بنظر می رسد. تصویر ۲ نشان دهنده عناصر مورد نظر بر روی نقاشی شاردن و مینیاتور مطراچی می باشد.

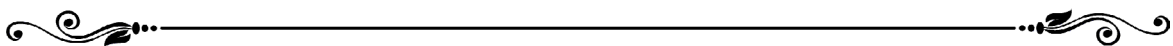
عراق عجم) قرار دارد. در این ایالت شهرها و قلاع مستحکم بسیار است. ولی این شهر از همه پر جمعیت تر و آبادتر است. شغل عمده ی ساکنان آن بازرگانی و کارخانه داری است» (مار کوپولو ۱۳۵۰، ۳۱). البته علاوه بر عناصر شهری و معماری در هسته ی مرکزی، مقابر زیادی نیز در سرتاسر شهر پراکنده شده بودند که برخی خارج از باروی هلاکویی بودند. بعنوان مثال از قدیمی ترین مقابر اولیاء می توان به مقابر عین علی



تصویر ۲. عناصر مشخص شده بر روی مینیاتور مطراچی (سمت راست) و نقاشی شاردن (سمت چپ) (تهیه و تنظیم: نگارندگان)

متبر که ایشان در سال ۷۵۵ ه.ق. عمارت مجدد گردیده است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۳۷۶). مقبره ی امام حفده عطاری (۵۶۰ ه.ق.) که از اولیاء می باشد در چرنداب معروف است (حشری ۱۳۱، ۱۳۷) و در نقشه ی فعلی در محله ی چرنداب مسجدی امام زاده نام در نزدیکی محدوده قبرستان صادق آباد در محله ی چرنداب نقشه قاجار وجود دارد که تطابق زیادی با این مکان دارد و مقبره بابا شادان (۵۹۵ ه.ق.) نیز در چرنداب بالاتر از مزار امام حفده واقع است؛ (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۲۹۰) که بر اساس مزار امام عطاری شناسایی و جانمایی گردیده است. مقبره بابا حسن (۶۱۰ ه.ق.) در سرخاب مزاریست مشهور و معین، مکانیست در کمال روحانیت و صفا. زاویه و خانقاه در همینجا که الحال مقبره ایشانست بوده است (حشری ۱۳۷، ۹۱). جهت تدقیق جانمایی می توان به اسناد تصویری مینیاتور مطراچی<sup>۵</sup> (۹۴۰-۴۲ ه.ق.) (یوردایدین<sup>۶</sup> ۱۹۶۳) و نقاشی شاردن<sup>۷</sup> (۱۰۸۴-۸۸ ه.ق.) که با حرف A مشخص شده؛ استناد نمود. در نقاشی شاردن بنایی بعنوان «مسجد حسن» به زبان فرانسه و «بابا حسن» در زبان ترکی معرفی شده که بر اساس مطالعات انجام یافته بر طبق زاویه ی دید شاردن همان مزار یا حظیره بابا حسن در قسمت

لازم به ذکر است که بسیاری از مقابر امراء در خارج از شهر یا در روستاهای اطراف شهر مکانیابی شده اند؛ در حالیکه مقابر امیر حارث بن امیه (۲۵ ه.ق.) و امیه ضمیری (قرن ۱ ه.ق.) در سرخاب در حدود حظیره بابا حسن جانمایی گردیده اند (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۴۰). همچنین لفظ «حظیره<sup>۴</sup>» به حدود مزار بابا و مریدان مدفون شده اش در آن حوالی در طی سالیان اطلاق می شده است. لقب «بابا» نیز برای افرادی که از عارفان زمان بودند و محل دفنشان به گونه ای مورد احترام مریدانشان بوده به کار می رفته است. از مقابر باباها و عارفانی که در قرون اولیه هجری در شهر تبریز مدفونند؛ می توان به چندین مورد اشاره نمود. من جمله مقبره ی بابا ترک (قرن ۳ ه.ق.) در حوالی قریه امند من محال رودقات (حشری ۲۳، ۱۳۷۱) که با فاصله از شهر جانمایی شده است. مقبره ی قطب الاقطاب پیر باب (قرن ۳-۴ ه.ق.) در بالای دره گراب (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۴۸) که جانمایی بر اساس محدوده ی حمام گرم آب در نقشه قراجه داغی و خیابان گرو در نقشه ی فعلی که به عنوان دره گراب در نظر گرفته شده؛ انجام شده است. مقبره ی بابا فرج (۵۶۸ ه.ق.) که مرقد آن واقف موافق، در گورستان گجیل اظهر من الشمس است. زاویه ی

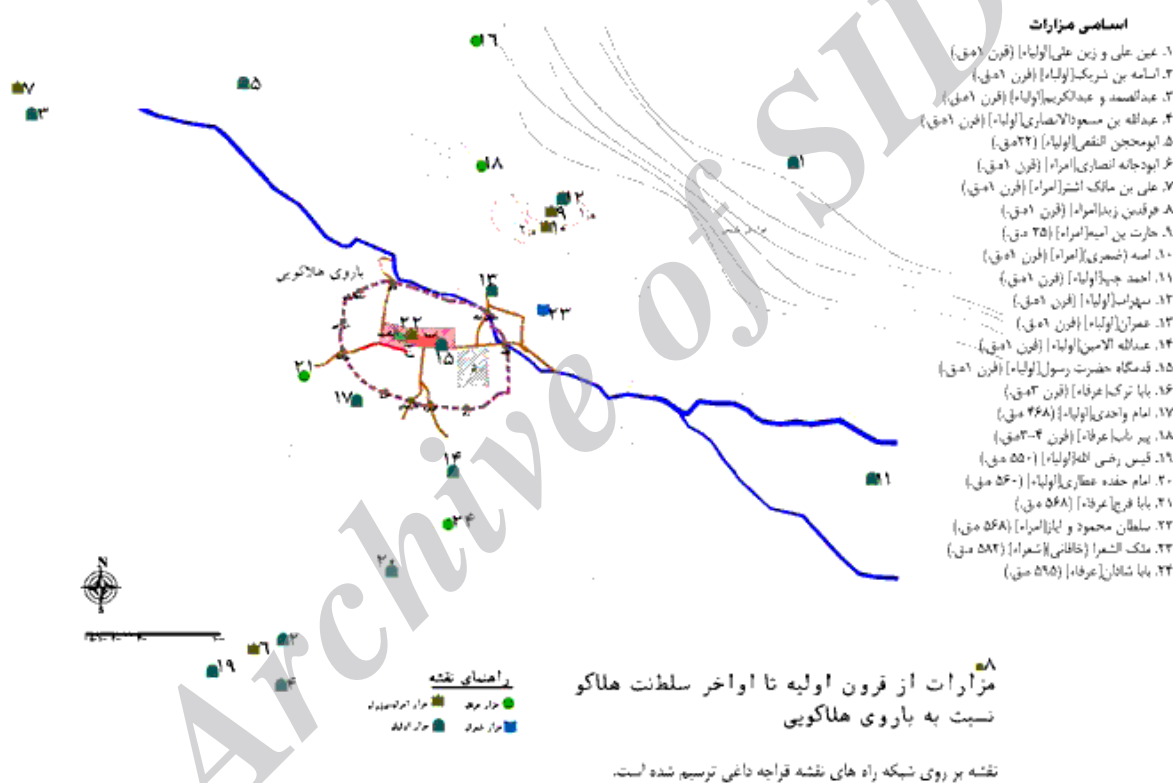




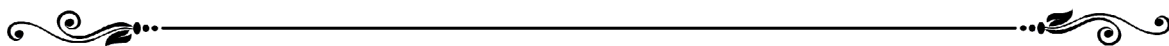


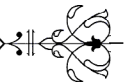
چون کوچه ای در حوالی درب اعلی (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۱۱۵) و قرب چشمه و کهن حصار (حشری ۱۳۷۱، ۹۶) و همچنین وجود این چشمه و حصار بر روی نقشه‌ی قاجاری به همراه کاروانسرای خواجه عبدالرحیم در همین حوالی بر روی نقشه قاجار می‌توان مزار مذکور را در این مکان شناسایی نمود. نقشه‌ی ۱ جانمایی مزارات شهر تبریز را از قرون اولیه هجری تا اواخر سلطنت هلاکو خان با وجود باروی هلاکویی نشان می‌دهد که بسیاری از مزارات در خارج از بارو شناسایی گردیده اند.

شمالی شهر تبریز می‌باشد. همچنین این مکان در روی نقشه‌ی قاجاری در محدوده‌ی خانه میرزا حسن و قبرستانی بی‌نام و در نقشه‌ی فعلی با توجه به مرکز بهداشتی ملاحسن- امروزه ادعا بر این است که قبلاً مزاری در این محوطه با این نام بوده- شناسایی شده است. از دیگر باباهای معروف می‌توان مقبره‌ی بابا مزید (۶۲۰ ه.ق.) که حظیره ایشان نیز در سرخاب است را ذکر نمود (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۵۵۳). همچنین مقبره‌ی خواجه عبدالرحیم ازآبادی (۶۵۵ ه.ق.) که در سرخاب مشخص و معین است (کربلایی ۱۳۳۵، ۱۱۵) و با توجه به آدرس دهی‌هایی



نقشه ۱. جانمایی مزارات شهر تبریز از قرون اولیه هجری تا اواخر سلطنت هلاکو (کربلایی، ۱۳۳۵، ج ۱؛ ملاحشری، ۱۳۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۹؛ محمد تبریزی، ۱۳۸۸) (تهیه و تنظیم: نگارندگان)

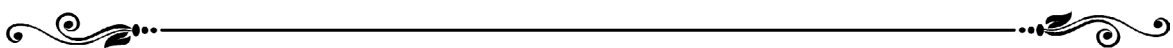




است (حشری ۱۳۷۱، ۷۴) و بر روی نقشه‌ی قاجار در محل سراچه بازار شناسایی و جانمایی شده است. علاوه بر موارد مذکور، با توجه به قدمت حظیره بابا فرج (قرن ۳ ه.ق.) می‌توان ادعا نمود که مزار به دلیل قرارگیری در امتداد بازار قدیمی و مرکزی شهر موجبات اتصال و اعتبارپذیری محور غربی-شرقی شده که قطب سیاسی شنب‌غازان (حرف K در تصویر ۲) در غرب را به قطب فرهنگی ربع رشیدی در شرق وصل می‌نماید. از مقابر امرای معروف در این دوره می‌توان مقبره خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۷۱۸ ه.ق.) را نام برد که ایشان از وزرای دربار غازان خان بوده و در عمارتی که بایشان منسوب است (ربع رشیدی) مدفونند (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱ / ۵۱۱). همچنین همانطور که از کتب و سفرنامه‌ها نیز بر می‌آید ربع رشیدی و شنب‌غازان نیز علاوه بر قطب فرهنگی و سیاسی در شرق و غرب شهر، مزار وزیر رشیدالدین در ربع رشیدی و مزار غازان خان در شنب‌غازان در خارج باروی شهر الزام و پررنگ شدن گذر ارتباطی این دو مجموعه گردید. مقابر دو تن از اولیای بزرگ آن زمان نیز منجمله سید حمزه (۷۱۷ ه.ق.) که مزارش در درآمد سرخاب معین و مشهور است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱ / ۲۱۳). همچنین در اسناد تصویری مینیاتور مطراقچی (۹۴۰-۹۴۲ ه.ق.) (یوردایدین ۱۹۶۳)؛ نقاشی شاردن (۸۴۴-۸۸ ه.ق.)، نقشه‌ی قراجه داغی و نقشه معاصر تبریز نیز در همین مکان شناسایی گردیده است. از دیگر اولیاء، مقبره امام طلحه (اواسط قرن ۸ ه.ق.) در حوالی گنبد و دوله عرب ذکر شده است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱ / ۴۸). در نقشه‌ی قاجار مسجد حاجی حسن عرب و در نقشه‌ی فعلی مسجد عرب‌لر که شباهت اسمی زیادی به آدرس‌های ذکر شده دارند؛ به همراه وجود بالا قبرستان در این حوالی در نقشه‌ی قاجار، دلیلی بر جانمایی و شناسایی این مزار می‌باشند. نقشه ۲ کلیه‌ی مزارات مربوط از قرون اولیه هجری تا اواخر دوره ایلخانی را نسبت به باروی هلاکویی و باروی غازانی و باروی وصافی نشان می‌دهد که نحوه‌ی احداث و محاسبه‌ی باروی غازانی و وجود باروی وصافی در ادامه‌ی توضیحات آورده شده است.

همانطور که در تاریخ ذکر شده است؛ پس از انتقال پایتخت

در ادامه جهت دستیابی به نتایج دقیق‌تر جانمایی مزارات از اوایل سال‌های حکومت غازان خان تا اواخر سال‌های حکومت ایلخانی صورت پذیرفته است. از مقابر عرفاء در این سال‌ها می‌توان به مقبره‌ی شیخ شمس‌الدین محمد طبری (۶۷۷ ه.ق.) در جانب غربی مزارات گجیل و در حوالی کوچه‌ای که مشهور به کوچه‌ی قاسم بیگ است (حشری ۱۳۷۱، ۱۲۵) اشاره نمود. مقبره‌ی بابا محمود (۶۹۱ ه.ق.) که در درآمد قله‌ی اخ‌ی سعدالدین زاویه بوده و گنبدی بر سر قبری ساخته‌اند (حشری ۱۳۷۱، ۷۱)؛ مقبره‌ی شیخ سله باف در چرنداب بجانب غربی مزار امام حفده عطاری واقع است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱ / ۲۹۱)؛ مقبره‌ی پیر حاجی حسن و زاویه ایشان در درب سرد است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱ / ۳۸۹) که بر روی نقشه قاجار نیز در همان حوالی قبرستانی بی نام موجود است که مقبره مذکور جانمایی گردیده است. مقبره‌ی عمادالدین حمدبن محمود در جانب غربی راه خسروشاه وقتی که از تبریز به جانب خسروشاه می‌روند؛ به جانب دست راست در برابر مزار بابا فرج واقع شده است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱ / ۴۲۷)؛ مقبره‌ی پیر شیخی نیز نزدیک بمحاذی تکیه بابازنجیری هم درسراه مذکور، در وقت آمدن بطرف دست چپ واقع است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱ / ۴۲۷). مقبره‌ی خواجه محمد خاکشو، میانه تکیه بابازنجیری و مزار مشکیان است (حشری ۱۳۷۱، ۱۲۵). مقبره‌ی پیر کله بالاتر از تکیه‌ی لاغری در محله رواق در مقابل خانقاه صالحیه واقع است و آن خانقاه در زمان ملک اشرف نویان (لقب عمومی سران مغول بوده) ساخته شده است. وی از اولیای کبار است و به صفت جلال موصوف بوده گویند با بابا حسن معاصر بود (حشری ۱۳۷۱، ۵۰). مقبره‌ی پیر دده شاه درسر بازار سراجان گنبدی مشهور و معین است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱ / ۴۸۵). آنچه مشهور است از گنبد مزار ده ده شاه تاقرب درب اعلی چهارصد و چهل و چهار مزار پادشاهان کامگار هست که همگی در آرزوی ملک تبریز جان بدادند و الحال شش تن از ایشان را گنبد و قبرشان باقی مانده و اسامی ایشان از صفحات خواطر اهل زمان محو و منسی شده یکی را آغورشاه میگویند که در پیش شارع واقع شده باقی را نیز از قبرشان اثر نمانده

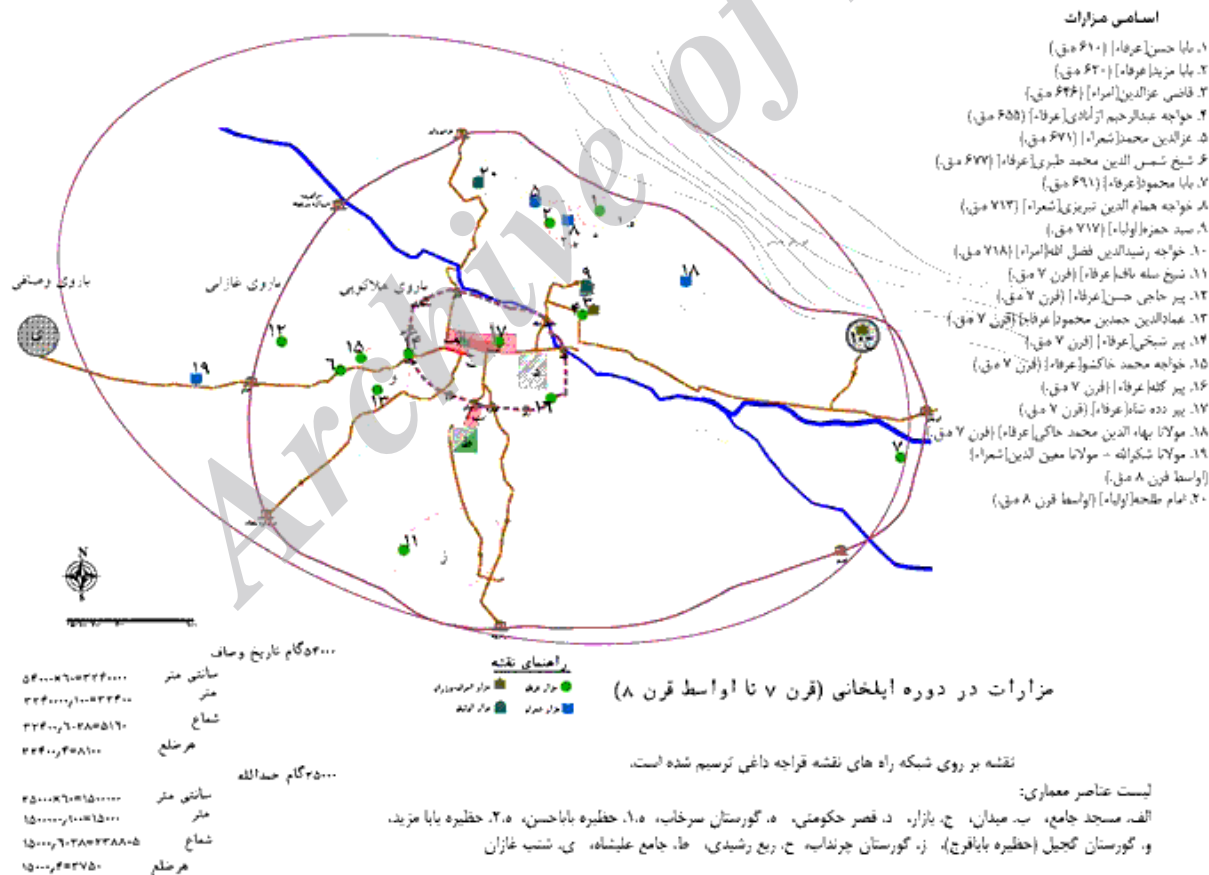


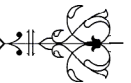


جانب غربی در موضع شنب خویشتن طرح کشیده آن را بنا نهاد (همدانی ۱۳۷۳؛ ۱۳۷۶) و همچنین دور باروی غازی ۲۵ هزار گام است و دارای ۶ دروازه

۱. اوجان، ۲. اهر، ۳. شروان، ۴. سردرود، ۵. شام (غازان)، ۶. سراورد (سراب) (مستوفی ۱۳۳۶، ۱۵۴) که با توجه به توصیفات ارائه شده حدود و اندازه دور باروی غازی با تبدیل گز و گام و فرسنگ در دو اندازهی مختلف که یکی بر اساس توصیفات تاریخ وصاف با نام باروی وصافی و دیگری بر اساس توصیفات حمدالله مستوفی با عنوان باروی غازی بر روی نقشه ۲ ترسیم گشته است. محاسبات مربوط به تبدیل اندازه‌ها نیز در روی نقشه درج شده است. همچنین پس از ساخت باروی غازی سیاح ابن بطوطه که در سال ۷۲۷ ق. از تبریز دیدن نمود از عناصر مهم معماری از جمله جامع علیشاه (حرف E در تصویر ۲) و بازار غازان یاد می‌کند (ابن بطوطه ۱۳۵۹، ۲۲۵-۲۲۶).

از مراغه به تبریز توسط آباقخان، در زمستان سال ۶۷۱ ق. / ۱۲۷۲ م. در تبریز زلزله‌ی سختی حادث شد (همدانی ۱۳۷۳، ج ۲/ ۱۱۰) که به تبع آن خرابی بسیاری به بار آمد و باروی هلاکویی نیز تخریب گردید. با به حکومت رسیدن غازان خان در سال ۶۹۴ ه. ق.، الزام وجود بارو در شهر محسوس بود؛ لیکن سلطان محمود غازان در سال ۷۰۲ ق. (۸۱۶ ش. / ۱۳۰۲ م.) فرمان داد تا تبریز را از خالص اموال خانی باروئی استوار بسازند. اساس آن دیوار را چنان ریختند که بر چرنداب و سرخاب و بلبان کوه و همه‌ی بستان‌ها و باغ‌ها محیط باشد. عرض آن ده گز<sup>۸</sup> و طول آن پنجاه و چهار هزار گام که تقریباً چهار فرسنگ<sup>۹</sup> و نیم باشد و پنج دروازه در اطراف آن باز کرد هریک به سمت ملکی چون بغداد، عراق، خراسان، و اران و هشت دروازه‌ی کوچک دیگر مابین آنها تا خروج و دخول آسان‌تر باشد (آیتی ۱۳۴۶، ۲۱۳) و در جایی دیگر اینگونه ذکر شده که غازان خان در خارج شهر (دارالملک تبریز) در



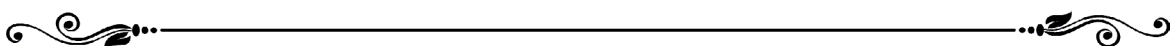


شرق شهر احداث گردید. پس از آن تیمور (پایه گذار سلسله تیموریان) رفته رفته قدرت گرفت و سرانجام در ماوراءالنهر به سلطنت نشست و مستقل شد. نخستین فتوحات او در خوارزم بود و پس از آن به سوی ایران امروزی حرکت کرد و طی سال‌ها با لشکرکشی‌های پی در پی به تدریج ایران را فرا گرفت (پاکزاد ۱۳۹۰، ۳۴۹). در این قسمت از پژوهش مزارات شناسایی شده در این دوره که در ادامه دوره‌های قبلی (نقشه‌های ۱ و ۲) می‌باشد؛ ابتدا براساس دسته‌بندی‌های قبل، توصیف شده و سپس در نقشه ۳ نشان داده شده اند.

پس از ترسیم و جانمایی مزارات در دوره ایلخانی نسبت به تاریخ‌های ذکر شده و وجود باروهای هلاکویی و غازانی و وصافی اینگونه منتج می‌گردد که هلاکوخان بارو را به مرکزیت شهر تبریز و احتمالاً به دلیل پایتخت نبودن با در نظر گرفتن برخی عوامل امنیتی به طور محدودی بر گرد عناصر اصلی شهر از جمله مسجدجامع، میدان و بازار و قصر حکومتی کشیده است. اما پس از پایتختی تبریز و زلزله سال ۶۷۱ ه.ق. و به حکومت رسیدن غازان خان حدود تغییر یافت. با استناد به کتب تاریخی، حظیره باباحسن و بابامزید در شمال، حظیره بابا فرج در غرب و مزار امام حفده عطاری در جنوب نقش عمده‌ای در شکل‌گیری این بارو داشته اند چراکه باروی غازانی محیط بر تمام این مزارات کشیده شده که در دوره‌های بعدی شاهد اهمیت و گستردگی بیشتر مزارات فوق به نام گورستان‌های سرخاب، گجیل و چرنداب می‌باشیم. همچنین احداث بنای مسجد علیشاه توسط یکی از وزرای ایلخانی در سال ۷۱۶ ه.ق. در قسمت جنوبی شهر و در سر راه گورستان چرنداب نیز باعث شاخص شدن محوری ارتباطی در این قسمت گردید.

## ۲. تأثیر مزارات در توسعه ساختار شهری شهر تبریز در دوره جلایریان و تیموریان (اواسط قرن ۸ تا اوایل قرن ۹)

از آنجایی که دوره جلایریان و تیموریان همراه با جنگ و کشمکش‌های بسیاری همراه بوده؛ تغییرات چشمگیری در ساختار شهر تبریز بوجود نیامده است. سلسله جلایریان دودمانی محلی بودند که در تبریز نیز حکومت نمودند و در آن دوران سیاح «کلاویخو<sup>۱</sup>» به این شهر سفر کرده و در سفرنامه خود از برخی عناصر معماری و شهری همچون حرمخانه و همچنین باروی شهر سخن به میان آورده است (کلاویخو ۱۳۳۷). در طول دوره‌ی کوتاه حکومت جلایریان در شهر تبریز بناهای باشکوهی همانند مسجد استاد و شاگرد (۷۴۲ ه.ق.) (حرف D در تصویر ۲) بر سر راه مسجد علیشاه به مسجد جامع (حرف C در تصویر ۲) و عمارت دمشقیه (۷۲۷ ه.ق.) که این عمارت نیز بعنوان فضای آرامگاهی استفاده می‌شد (خواندمیر ۱۳۳۳، ۲۴۲)؛ در



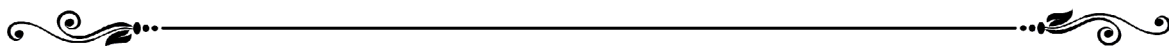


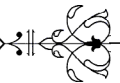
نقشه بر روی شبکه راه های نقشه قراجه باغی ترسیم شده است.

لیست عناصر معماری:

الف. مسجد جامع، ب. میدان، ج. بازار، د. قصر حکومتی، ه. گورستان سرخاب، ۱.۵. حظیره بابا حسن، ۲.۵. حظیره بابا مزید، و. گورستان گجیل (حظیره بابا قوچ)، ز. گورستان چرنداب، ح. ربع رشیدی، ط. جامع علینشاه، ی. شنب غزلان، ک. سید حمزه، ل. باغ صاحب آباد، م. عمارت دمشقیه، ن. مسجد استادوشاگرد، س. خانقاه کمال خجندی

نقشه ۳. جانمایی مزارات شهر تبریز در دوره جلایریان و تیموریان  
(کربلایی، ۱۳۳۵؛ ج ۱؛ ملاحصری، ۱۳۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۹؛ محمد تبریزی، ۱۳۸۸) (تهیه و تنظیم: نگارندگان)





محمد ازآبادی (قرن ۹ ه.ق.) مقبره‌ی دو عزیز در دومنار که هر دو از جمله اعزه و صاحب کمالان معدودند می‌باشد (حشری ۱۳۷۱، ۱۰۴). از مهمترین مقابر اولیاء این دوره مقبره امیر علی چپ<sup>۱۲</sup> (اواخر قرن ۸ ه.ق.) در جنب عمارت استاد شاگرد<sup>۱۳</sup> و در (میانه) محله سنگ سیاه و (چارسوی عربان) است (حشری ۱۳۷۱، ۲۹). از امرای این دوره نیز مقبره سید مختار امیر عبدالغفار (۸۱۷ ه.ق.) در دومنار سرخاب واقع است (طباطبایی ۱۳۸۹، ۶۳). مقابر شعرائی از این دوره نیز مکانیابی شده است. مقبره‌ی خواجه عبدالحی خوشنویس (۸۱۵ ه.ق.) در پهلوی قبر مولانا محمد مغربی<sup>۱۴</sup> است و حضرت مولانا وی را فرزند خوانده بوده (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۸۵) و مقبره‌ی اسدی تخلص (قرن ۹ ه.ق.) در پای مزار قندیلی است و در آن طرف راه بجانب دست راست (بجانب شرق این مزار) مزار مولانا مانی شاعر نقاش شیرازی است که در اوایل (سلطنت) شاه اسمعیل (صفوی) نشو و نما یافت (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۲۱۱).

در این دوره علاوه بر تجمع بیشتر مزارات در شمال شهر و گورستان سرخاب، مزارات دیگری نیز باعث به وجود آمدن برخی عناصر شاخص معماری گردیده که این امر تأثیر بسزایی در ساختار شهر ایفا می‌نماید. برای مثال در این مورد می‌توان به عمارت دمشقیه<sup>۱۵</sup> که توسط یکی از امرای جلالیریان به نام شیخ اویس بهادر خان احداث گردیده و از لحاظ معماری بسیار شاخص بوده؛ اشاره نمود. مطالعات حاکی از آن است که جایگیری این مکان در شرق و زیر رودخانه باعث به وجود آمدن گذری جهت ارتباط با هسته مرکزی شهر شده بود. همچنین ساخت بنای مسجد استاد و شاگرد بر سر راه مسجد علیشاه به مسجد جامع از شمال و گورستان چرنداب از جنوب علاوه بر پررونق تر شدن این محور، موجبات شکل‌گیری میدان و فضای بازی را در کنار مسجد فراهم آورده است.

### ۳. تأثیر مزارات در توسعه‌ی ساختار شهری

#### شهر تبریز در دوره‌ی قراقویونلو (قرن ۹)

تقریباً هم زمان با تیموریان، قویونلوها نیز بر بخش‌هایی از غرب ایران امروزی، ترکیه و شمال عراق امروزی حکومت می‌کردند. قراقویونلو و آق قویونلو از طوایف ترک بودند که

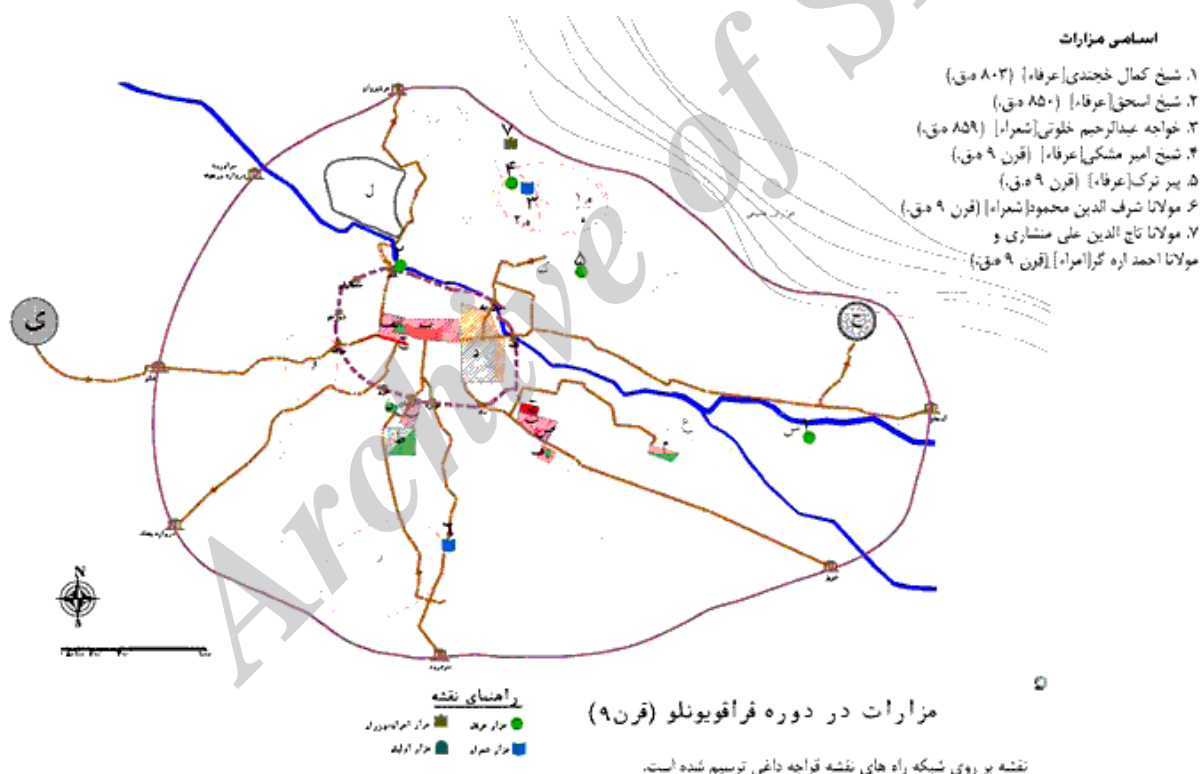
از مقابر عرفایی چون مقبره مولانا سراج الدین یوسف (۷۱۵ ه.ق.) در محله ویجویه محلی مشهور و معروف به زاویه اخلاطیه<sup>۱۱</sup> است. (طباطبایی ۱۳۸۹، ۱۳۱) بر روی نقشه‌ی قاجاری در این محله دو کاروانسرا وجود دارد که این زاویه در محل یکی از کاروانسراها که به گورستان گجیل نزدیکتر و در جهت غربی تر می‌باشد؛ مکانیابی شده است. مقبره‌ی مولانا فخر الدین احمد (۷۴۶ ه.ق.) در حوالی مزار امام حفده است؛ پیش چشمه‌ی آبی که مردم از آنجا آب برمی‌گیرند (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۳۳۶). مقبره‌ی مولانا نظام الدین عبدالصمد (۷۶۶ ه.ق.) در درآمد چرنداب در جایی مدفونست که آن مزارات را نیز مولانا عبدالصمد می‌گویند (حشری ۱۳۷۱، ۱۳۹). مقبره‌ی مولانا عبدالقادر نخجوانی (۸۰۱ ه.ق.) در پیش مزار حضرت بابامزید است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۶۰). مولانا کمال الدین الباکویی (۸۱۳ ه.ق.) در پیش قبله مزار حضرت خواجه فقیه زاهد که ایشان نیز در گورستان گجیل ذکر شده اند و بدوازده ذرع فاصله است (حشری ۱۳۷۱، ۱۲۳). مقبره‌ی پیر قندیلی (اواخر قرن ۸ ه.ق.) در درآمد سرخاب بالاتر از مزار امیه آورده شده است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۲۰۸). باتوجه به توصیفات و مکانیابی‌ها محل مقبره سیدحمزه این مکان با عنوان درآمد سرخاب نیز شناخته می‌شود. مقبره‌ی مولانا غیاث الدین محمد (اواخر قرن ۸ ه.ق.) بالاتر از گنبد عرب بر کنار دوله عرب از تبریز که بان جانب می‌روند بردست راست واقع است و الحال بمزار مولانا میرک چهارمناری مشهور است (حشری ۱۳۷۱، ۱۱۹). در نقشه‌ی معاصر کوچه چهار دربندها در حوالی مکانی که برای گنبد عرب در نظر گرفته شده وجود دارد که همین مکان شناسایی گردیده است. مقبره‌ی بابا اسماعیل (اواخر قرن ۸ ه.ق.) در دومنار سرخاب است و آن خانقاهی است که صاحب دیوان سعید، خواجه سعدالدین ساوجی طاب ثراه بنا کرده بود (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۲۱۴). دومنار سرخاب در محل مسجد حاج غفار بر روی نقشه‌ی قراجه داغی مکانیابی شده و همچنین عمارت دومنار هم در سرخاب و هم در چرنداب ذکر گردیده که این عمارت می‌تواند مسجد حاجی غفار که در هر دو منطقه وجود دارد باشد. بابا احمد قمچی باف و مولانا





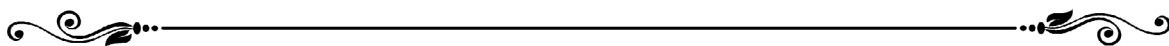
ه.ق) (حرف F در تصویر ۲) و حمام جهانشاه (اولیا چلبی ۱۳۱۴، ۲۵۴) و ایجاد فضای میدان در مرکزیت این عناصر نیاز به ایجاد گذری برای ارتباط با سایر عناصر شهری ملزم می‌نماید که با دقت در نحوه‌ی ایجاد گذر، تأکید بر وجود مزارات عرفاء و شعراء و ارتباط آنها با یکدیگر را می‌توان مشاهده نمود. گذر مذکور مزارات اطراف مسجد کبود و همچنین عمارت دمشقیه که مزار چند تن از امراء بوده را به همدیگر وصل نموده و به سمت دروازه‌ی تبریز امتداد می‌یابد. حال با مکانیابی مزارات ایشان، تلاش‌هایی برای بازسازی ساختار شهری شهر تبریز در دوره‌ی قراقویونلو انجام شده است.

به هنگام حمله‌ی مغول، از مکان زندگی خود در نزدیکی دریاچه‌ی آرال فرار کردند؛ به ایران آمدند و هر طایفه‌ای از آنان برحسب تصادف در جایی استقرار یافت. در سده‌ی هشتم هجری / چهاردهم میلادی، پس از پایان حکومت ایلخانان مغول، این ترکمانان نیز مانند دیگر طوایف ترک و مغول از موقعیت استفاده کرده صاحب قدرت شدند و به تصرف بخش‌هایی از ایران پرداختند (پاکزاد ۱۳۹۰، ۳۴۹). با توجه به تاریخ پادشاهان و حکومت قره قویونلو، اوج تحولات شهر تبریز در دوره جهانشاه، آخرین پادشاه این سلسله بوده که به دلیل پایتختی شهر تبریز و ساخت بناهایی همچون تکیه شاه حسین ولی (حرف G در تصویر ۲) (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۳۸۹)، قیصریه (۸۵۰ ه.ق) (حرف I در تصویر ۲) (شاردن ۱۳۳۵، ۴۰۴)، مسجد کبود (۸۷۰



لیست عناصر معماری: الف. مسجد جامع، ب. میدان، ج. بازار، د. قیصریه، ه. قصر حکومتی، و. گورستان سرخاب، ۶. حلیه بابا حسن، ۷. حلیه بابا مزید، ۸. گورستان گجیل (حلیه بابا فوج)، ۹. گورستان چرنداب، ۱۰. ربع رشیدی، ۱۱. جامع علیشاه، ۱۲. شنب غازان، ۱۳. سید حمزه، ۱۴. باغ صاحب آباد، ۱۵. عمارت دمشقیه، ۱۶. مسجد استادوشاکرد، ۱۷. خانقاه کمال خجندی، ۱۸. تکیه شاه حسین ولی، ۱۹. مسجد کبود، ۲۰. حمام جهانشاه

نقشه ۴. جانمایی مزارات شهر تبریز در دوره قراقویونلو (کربلایی، ۱۳۳۵: ج ۱؛ ملاحشری، ۱۳۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۹؛ محمد تبریزی، ۱۳۸۸) (تهیه و تنظیم: نگارندگان)





در این دوره تبدیل به باغی سلطنتی می‌گردد؛ قرار گرفته است که باعث هرچه بیشتر پررنگ شدن این محور گذری و ارتباطی در شهر می‌شود.

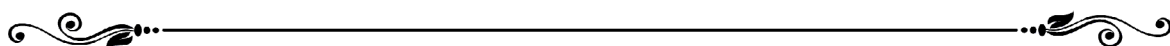
#### ۴. تأثیر مزارات در توسعه ساختار شهری شهر

##### تبریز در دوره‌ی آق‌قویونلو (اواخر قرن ۹)

دوران فرمانروایی آق‌قویونلو نیز یکی از دوره‌های -اگر چه کوتاه- شکوفایی فرهنگی است. با آنکه شاهان این خاندان ترک زبان بودند؛ از آداب و رسوم ایرانی پشتیبانی می‌کردند (مینورسکی ۱۳۸۹، ۱۸۱). پس از فتح تبریز به فرمان اوزون حسن آق‌قویونلو، در میدان صاحب آباد (حرف B در تصویر ۲) که مکان دولخانه‌ی اسلاف وی بود و در بخش شمالی تبریز، بالای مهران رود قرار داشت؛ یک مسجد، مدرسه و بیمارستان ساخته شد. وی همچنین فرمان داد تا باغی موسوم به «باغ زاویه» را در کنار این میدان بسازند. پس از اوزون حسن، پسرش یعقوب، قصری به نام «هشت بهشت» را بدین مجموعه افزود (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۵۹۸) همچنین به خاطر گسترش شهر تبریز به سوی این مجموعه که به مجموعه‌ی «نصیریه» معروف گشت؛ روی مهران رود پل‌هایی موسوم به «پل بازار» شکل گرفتند که در واقع ادامه‌ی بازار تبریز بودند (عمرانی ۱۳۸۵، ۹۰). با توجه به توصیفاتى که از شهر تبریز دوره آق‌قویونلو بیان شد؛ سیاحت بسیاری نیز در این دوره از شهر دیدن کرده و دوباره حضور افرادی عارف و شاعر و همچنین ولی و امیر مشاهده شده است. در ادامه‌ی حضور چنین افرادی در شهر، معرفی و مکانیابی مقابر برخی، همانطور که در نقشه ۵ نشان داده شده است؛ می‌توان بدین گونه برشمرد: مقبره‌ی شاعر مولانا محمد شیرین‌المغربی (۸۱۰ ه.ق.) در حظیره مقدسه بابامزید است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۶۶) و مقبره‌ی مولانا ابو محمد نورالدین عبدالرحیم البزازی (اواخر قرن ۹ ه.ق.) در مقبره‌ی مولانا عبدالصمد<sup>۱۸</sup> در عقب تکیه میرسید محمد مفتول بند واقع است (حشری ۱۳۷۱، ۱۳۹). مقابر عرفایی چون درویش سراج‌الدین قاسم (۸۹۱ ه.ق.) در حظیره بابامزید در جنب مزار خواجه عبدالحی خوش‌نویس واقع است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۸۸). مقبره‌ی دده عمر (۸۹۱ ه.ق.) در حوالی ملک زمین و باغ شمال در

مقابر این دوره را با مقبره شیخ کمال خجندی (۸۰۳ ه.ق.) می‌توان آغاز نمود. ایشان از عارفان نامی شهر تبریز بود و در باغی در ولیانکوی خانقاه داشته و مزارش نیز در همان جا است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۵۰). مقبره‌ی شیخ اسحق (۸۵۰ ه.ق.) در سرخاب مکانی است معین، در همان موضع وی را خانقاه بوده است (حشری ۱۳۷۱، ۱۰۳). در نقشه‌ی قاجاری منزل میرزا اسحق خان نامی است که به دلیل وجود خانقاهش در همان محل مکانیابی گردیده است. مقبره شیخ امیر مشکی (قرن ۹ ه.ق.) در حوالی مزار مولانا نظام‌الدین یحیی<sup>۱۶</sup> است. به جانب شمال قریب به صد ذرع، مولانا امیر در زاویه جهانشاهی شیخ بوده (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۱۱۵). مقبره‌ی پیر ترک (قرن ۹ ه.ق.) در حوالی منزل ساربانقلی در سرراه، مزار معین و مشهور است (حشری ۱۳۷۱، ۷۶). حدود منزل ساربانقلی بر روی نقشه‌ی قاجاری در محدوده‌ای که چندین خانه با نام میرزا قلی نزدیک به محله شتربانان است؛ شناسایی گردیده است. مقبره‌ی خواجه عبدالرحیم خلوتی (۸۵۹ ه.ق.) که در حظیره بابا مزید ذکر شده است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۸۳). مقبره‌ی مولانا شرف‌الدین محمود (قرن ۹ ه.ق.) در حرم حضرت شیخ ابراهیم جوینانی است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۳۵۸). این حرم در چرنداب و در کنار مسجدی که دومنار دارد و با این اوصاف در کنار مسجد حاج غفار قبرستانی بی‌نام در نقشه قاجار موجود می‌باشد؛ مکانیابی شده است. مقبره‌ی مولانا تاج‌الدین علی منشاری<sup>۱۷</sup> و مولانا احمد آره گر (قرن ۹ ه.ق.) از امراء مدفون در این دوره، در آن طرف دره گراب بجانب شمال (واقع است) قریب به مزار متبرک پیر باب قدس سره (حشری ۱۳۷۱، ۹۴). پس از معرفی مقابر این دوره، علاوه بر جانمایی مزارات، عناصر معماری ساخته شده در این دوره نیز در نقشه ۴ نشان داده شده اند.

با دقت در نحوه‌ی پراکندگی و جایگیری مزارات در این دوره این نکته قوت می‌یابد که مزارات بیشتر در شمال و جنوب شهر و در محدوده‌ی گورستان سرخاب و چرنداب قرار دارند که قرارگیری آنها در این موقعیت محور شمالی - جنوبی شهر را پررنگ می‌نماید. همچنین در امتداد این محور در قسمت شمال شهر، محدوده‌ی باغ صاحب‌آباد که

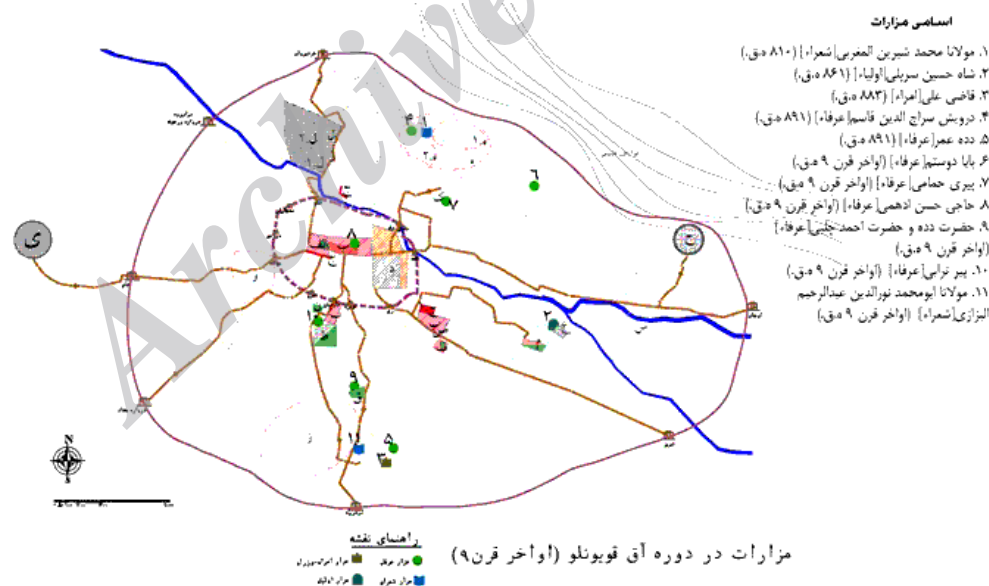






نوبر در راهی که از بازارچه‌ی نوپر به جانب سرکوچه دراز و میدان می‌روند؛ بدست راست مزاری است که مردم آنجا که می‌روند؛ استمداد همت می‌نمایند (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۴۷۸) که با انطباق توصیفات بر نقشه‌ی قاجاری به میدان مقابل ارک می‌رسیم. مقبره‌ی امیر قاضی علی (۸۸۳ ه.ق.) در پایین قبر حضرت دده عمر است (حشری ۱۳۷۱، ۵۹). قبر دده عمر در حوالی باغشمال ذکر شده بود. مقبره‌ی مهمترین و مشهورترین اولیاء در این دوره شاه حسین سر پلی (۸۶۱ ه.ق.) در پل سنگین است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۵۲۰) که در جهت شرق شهر و نزدیک به عمارت دمشقیه باعث کشیدگی ساختار شهری به این سمت شده و همچنین باعث رونق هرچه بیشتر گذر مورد بحث در دوره‌ی قبلی گردیده است. پس از معرفی مقابر این دوره، علاوه بر جانمایی مزارات، در این دوره نیز روند و ساختار قبلی تا حدودی حفظ شده، محور شمالی- جنوبی شهر اهمیت پیشین خود را داشته است. عناصر معماری ساخته شده در این دوره در نقشه ۵ نشان داده شده است.

مقصودیه است؛ همانجا زاویه و خانقاهی داشته. (حشری ۱۳۷۱، ۷۳). مقبره بابا دوستم<sup>۱۹</sup> (اواخر قرن ۹ ه.ق.) عقب خان‌های ساربانقلی که در آن محدوده قبرستانی بی‌نام بر روی نقشه‌ی قاجاری دیده می‌شود؛ جانمایی شده است. مقبره‌ی پیری حمامی (اواخر قرن ۹ ه.ق.) در حوالی مزار امام خاقانی است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۲۰۶). مزار امام خاقانی- در کنار سید حمزه و در مقبره الشعرا بر روی نقشه‌ی قاجاری و معاصر مکانیابی شده است. مقبره‌ی حاجی حسن ادهمی (اواخر قرن ۹ ه.ق.) یکی از درویشان صاحب حال این سلسله (سلسله و اصحاب حضرت علی) بوده و یعقوب پادشاه به وی ارادت تمام داشته و مدتی این مکان فیض نشان به سبب وجودش رونقی تمام داشت، در پیش همان تکیه [دده‌علی] است (حشری ۱۳۷۱، ۵۸). با مطالعه‌ی نقشه قاجاری، تکیه دده‌علی احتمالاً در بازار بوده و این مقبره در همان حوالی مکانیابی شده است. مقبره‌ی حضرت دده و حضرت احمد چلبی (اواخر قرن ۹ ه.ق.) در حوالی (عمارت) مقصودیه (حرف J در تصویر ۲) کوچه ایست مشهور به کوچه‌ی عبدالحق در آنجا است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۴۷۷). مقبره‌ی پیر ترابی (اواخر قرن ۹ ه.ق.) در



نقشه بر روی شبکه راه های نقشه قراجه داغی ترسیم شده است.

لیست عناصر معماری:

الف. مسجد جامع، ب. میدان، ج. بازار، د. قیصریه، ه. قصر حکومتی، و. گورستان سرخاب، ۱. ه. حنطره باباجسن، ۲. ه. حنطره بابا مزنده، و. گورستان کجیل (حنطره بابا هرج)، ز. گورستان چرنداب، ح. ربع رشیدی، ط. جامع علیشاه، ی. شنب غازان، که سید حمزه، ل. باغ صاحب آباد، ل. کاخ حسن بیگ، ل. عمارت هشت بهشت، م. عمارت دمشقیه، ن. مسجد استادوشاگرد، س. خانقاه کمال خجندی، ع. نیکه شاه حسین ولی، ف. مسجد کبود، ص. حمام جهانشاه، ق. عمارت مقصودیه

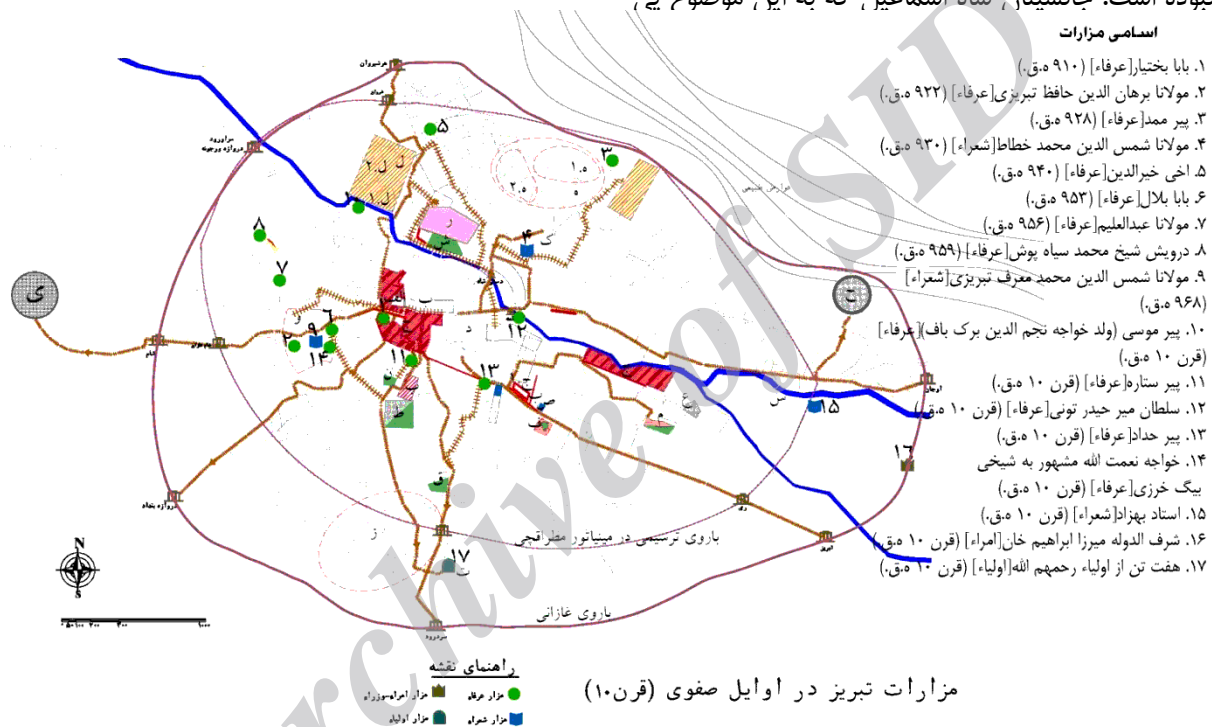
نقشه ۵. جانمایی مزارات شهر تبریز در دوره‌ی آق‌قویونلو

(کربلایی، ۱۳۳۵؛ ج ۱؛ ملاحشری، ۱۳۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۹؛ محمدتبریزی، ۱۳۸۸) (تهیه و تنظیم: نگارندگان)

برده بودند؛ پایتخت را به قزوین و سپس در دوران شاه عباس به اصفهان منتقل کردند (پاکزاد ۱۳۹۰، ۴۰۵). در چندین سال دوران پایتختی تبریز عرفاء، شعراء، امراء و اولیاء در این شهر همچنان حضور داشته‌اند. در اینجا، با مکانیابی این مزارات در نقشه ۶ به عنوان آخرین دوره‌ی مورد مطالعه، سعی در بررسی تأثیر این مزارات در توسعه‌ی ساختار شهری تبریز خواهیم داشت. بدین منظور ابتدا به بررسی مقابر عرفاء که بیشترین تعداد را دارا می‌باشند؛ پرداخته شده است.

## ۵. تأثیر مزارات در توسعه ساختار شهری شهر تبریز در اوایل صفوی (قرن ۱۰)

تبریز از سوی شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ ه.ق. برای چندمین بار به پایتختی ایران انتخاب شد. در پی آن چندین بار مورد هجوم ترکان عثمانی قرار گرفت و هربار آسیب‌هایی به آن وارد شد؛ به ویژه آن که تجارت شهر در پی این جنگ‌ها بسیار آسیب دید. این رخدادها نشان داد که در آن هنگام انتخاب تبریز به عنوان پایتخت، سیاست عاقلانه‌ای نبوده است. جانشینان شاه اسماعیل، که به این موضوع بی



نقشه ۶ جانمایی مزارات شهر تبریز در دوره‌ی اوایل صفوی

(کربلایی، ۱۳۳۵: ۱؛ ملاحشری، ۱۳۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۹؛ محمد تبریزی، ۱۳۸۸) (تهیه و تنظیم: نگارندگان)

برآمد؛ بابا فرج در محل گورستان گجیل می‌باشد. مقبره‌ی پیر ممد (۹۲۸ ه.ق.) در سرخاب در حوالی مزار باباحسن (بجانب شرق) است (حشری ۱۳۷۱، ۹۱). مقبره‌ی اخی خیرالدین (۹۴۰ ه.ق.) در پیش مزار بهلول در حوالی گنبد (و) دوله عرب است (کربلایی ۱۳۳۵، ۱/۱۶۷). مقبره‌ی

مقبره‌ی بابا بختیار (۹۱۰ ه.ق.) در پای منار مسجد جامع که محکمه قضات نیز همانجاست واقع است (کربلایی ۱۳۳۵، ۱/۴۸۶). مقبره‌ی مولانا برهان الدین حافظ تبریزی (۹۲۲ ه.ق.) در بیرون خانقاه بابا فرج واقع شده است (حشری ۱۳۷۱، ۱۲۲). همانطور که از مطالعات قبلی نیز



پس از مقابر عرفاء، به بررسی مقابر شعراء این دوره پرداخته شده است که عبارتند از مقبره‌ی مولانا شمس الدین محمد خطاط (۹۳۰ ه.ق.) در حوالی مزار حضرت خواجه عبدالرحیم (اجابادی) (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۱۲۲) و مقبره‌ی مولانا شمس الدین محمد معرف تبریزی (۹۶۸ ه.ق.) که مدفنش آستانه بابا فرج است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۳۷/۱) و مقبره‌ی استاد بهزاد (قرن ۱۰ ه.ق.) در باغ شیخ کمال در جنب مزار شیخ خجندی واقع شده است (حشری ۱۳۷۱، ۶۸). مقبره‌ی امیر شرف الدوله میرزا ابراهیم خان (قرن ۱۰ ه.ق.) در قبر جدش حاجی آقا بابا که تا این اواخر در قلعه اخی سعدالدین معین بود (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۳۳/۱). این قلعه در ولیانکوی معروف است. مقبره‌ی هفت تن از اولیاء رحیم الله (قرن ۱۰ ه.ق.) نیز در درآمد چرنداب در جنب مسجدی است که در این زمان خواجه شیخی بیگ نامی آنرا عمارت نموده، بعضی می‌گویند اینها ۷ برادر بوده‌اند. (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۳۷۳/۱) و به محل مقبره یدیلر نیز معروف است.

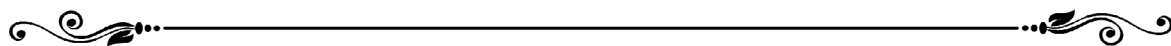
در این دوره که می‌توان به عنوان آخرین دوره از پایتختی تبریز اشاره کرد نیز شاهد مقابر و مزاراتی هستیم که بیشتر در شمال، مرکز و غرب شهر تجمع یافته‌اند. همچنین وجود مزار یکی از امراء در شرق شهر، تأکید بر محور شرقی- غربی شهر و وجود باغ صاحب‌آباد به عنوان باغی سلطنتی و عمارت مقصودیه به عنوان بنایی حکومتی محور شمالی- جنوبی شهر را پررنگ می‌نماید. تجمع مزارات در مرکز شهر باعث گستردگی و رونق عنصری همچون بازار گردیده است و این امر حاکی از آن است که احتمالاً از تأثیر وجود این مزارات در اقتصاد شهر نیز نمی‌توان چشم‌پوشی کرد؛ چراکه گسترش بازار در راستای گذرهای ارتباطی است که این مزارها را به یکدیگر متصل می‌نمایند.

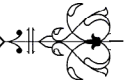
### نتیجه‌گیری

در نهایت می‌توان یافته‌های پژوهش را بر اساس دوره‌های مورد مطالعه و تغییرات ساختاری موجود در هر دوره به ۵ دسته تقسیم‌بندی نمود که نتایج به صورت کروکی در تصویر ۳ منعکس شده‌اند:

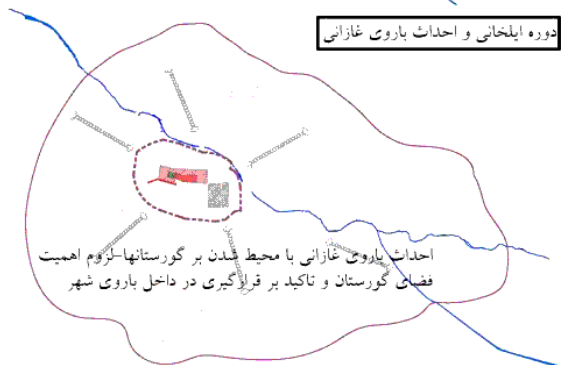
۱. توسعه‌ی هسته‌ی مرکزی (هسته اولیه) شهر: در قرون اولیه و اوایل دوره‌ی ایلخانی شهر محدود به بارویی برگرد

بابا بلال (۹۵۳ ه.ق.) به چند قدم پیش از مزار حضرت بابا فرج واقع است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۳۹۰). مقبره‌ی مولانا عبدالعلیم (۹۵۶ ه.ق.) در محله‌ی ویجویه برابر مسجد مولانا فخرالدین اراه گر واقع است (حشری ۱۳۷۱، ۷۷). این مسجد در نقشه‌ی قاجار با جانمایی در این دوره در مکان مسجد ویجویه می‌تواند باشد. مقبره‌ی درویش شیخ محمد سیاه پوش (۹۵۹ ه.ق.) در محله‌ی حسن آباد ویجویه مشهور و معروف است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۴۹۰). مقبره‌ی مذکور با همین نام بر روی نقشه‌ی قاجاری نیز مشخص می‌باشد. مقبره‌ی پیر موسی (قرن ۱۰ ه.ق.) در طرف غربی سنجران در قرب تل خاکی که در مقابل پل که مشهور به پل طاق است واقع شده؛ عوام گاهی صحابه‌اش می‌گویند و برخی از کبار مشایخش می‌خوانند (حشری ۱۳۷۱، ۳۳) و توصیفات مذکور در نقشه‌ی قاجار بر روی پل دروازه اسلامبول واقع است. مقبره‌ی پیر ستاره (قرن ۱۰ ه.ق.) در محله‌ی سرویراب در جنب شیشه‌گرخانه مسجدیست در آن مسجد واقع است. بعضی می‌گویند که وی امام زاده است و بعضی دیگر می‌گویند وی از صحابی است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۴۵۳). محل بازار شیشه‌گرخانه در نقشه‌ی قاجار و معاصر مشخص است. مقبره‌ی سلطان میرحیدرتونی (قرن ۱۰ ه.ق.) در درب‌العلی تکیه ایست مشهور و معروف وی از سلسله‌ی قلندریه است که متشبه محق بلامتیه‌اند؛ مولد و منشأ وی از باکوی شروان است (طباطبایی ۱۳۸۹، ۸۳). این تکیه در درب‌العلی بر روی نقشه معاصر نیز مشخص می‌باشد. مقبره‌ی پیر حداد (قرن ۱۰ ه.ق.) در بیرون بازارچه درب‌ری در راهی که به جانب شش‌گیلان می‌رود در جانب شارع، در جانب دست چپ در محوطه‌ای واقع است؛ آن جناب را صفت جلال غالب بوده است (حشری ۱۳۷۱، ۴۰). مقبره‌ی خواجه نعمت الله مشهور به شیخی بیگ خرزلی (قرن ۱۰ ه.ق.) در سر راه خسروشاه از مزار حضرت بابا فرج که به دزج مغنابافن می‌روند؛ در درآمد بان محله است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/۴۲۴). با مطالعات قبلی و نقشه‌ی قاجاری در سر راهی که از گورستان گجیل به خسروشاه می‌روند؛ مکانیابی شده است.





وجود حظیره ها - گورستانها در خارج باروی هلاکویی



دوره ایلخانی و احداث باروی غازی



دوره تیموریان و قیونلوها



دوره صفوی

تصویر ۳. کروکی چگونگی توسعه ساختار شهری در دوره های مختلف با تأثیرپذیری از مزارات هر دوره (تهیه و تنظیم: نگارندگان)

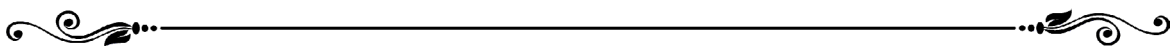
هسته مرکزی بوده که هلاکوخان این بارو را احداث نموده بود؛ بسیاری از مزارت نیز در خارج این بارو بوده اند. پس از خرابی بارو توسط زلزله و با به حکومت رسیدن غازان خان، باروی غازی با محیط شدن بر گورستان های مذکور احداث گردید.

۲. ایجاد و تشکیل گورستان های سرخاب، گجیل، چرنداب: با تعدد تعداد مزارات در برخی نواحی و نیز اهمیت این مزارات، گورستان های مهم شهر تبریز تشکیل یافت و همچنین محلات به تبع این مزارات در داخل باروی غازی اهمیت یافتند.

۳. احداث عناصر مهم معماری - شهری: با توجه به پراکندگی مزارات در سطح شهر، برخی مقابر به دلیل اهمیتشان باعث مکانیابی برای احداث عناصر مهم معماری - شهری در طول دوره های مختلف شده اند. همچنین با دقت در نقشه ی قاجاری بیشتر مزاراتی که تا دوره صفوی جانمایی شده اند و باتوجه به زلزله های رخ داده و خرابی ساختار شهر، به عنوان گورستان های عمومی محلات استفاده می شدند.

۴. پررنگ شدن نقش برخی گذرهای شهری: باتوجه به محل قرارگیری مزارات در شهر، گذرهایی برای ارتباط آنها به یکدیگر ملزوم بوده که در برخی موارد نیز بسیار پررونق و مهم گشته اند. به عنوان مثال گذر ارتباطی مجموعه ربع رشیدی و شب غازان.

۵. گسترش بازار: باتوجه به ساختار شهر اسلامی، بازار و مسجد جامع و قصر حکومتی در مرکز شهر بوده اند ولی لزوم گسترش این بازار محدود به هسته ی مرکزی شهر نمی باشد. با دقت در نقشه ی قراجه داغی، نحوه ی گسترش بازار به صورت فشرده و متمرکز در مرکز شهر تبریز دیده می شود که علاوه بر عامل اقلیم، یکی از دلایل این نوع گسترش، وجود مزارات مهم مرکز شهر می باشد که تردد افراد برای زیارت این قبور در فضای بازار باعث رونق هرچه بیشتر چنین فضایی نیز بوده است.



**پی‌نوشت**

۱. مزار و زیارت از ریشه کلمه عربی «زیاره» مشتق می‌شود که به معنی زیارت کردن است (دورانت ۱۳۷۲، ۲۲۰). در این مقاله منظور از واژه‌ی مزار، محل دفن افراد نامی و مشهوری است که در میان مردم محبوبیت داشته و مردم این مکان‌ها را تکریم نموده و زیارت می‌نمودند.
۲. این نقشه توسط سرهنگ قراجه داغی در سال ۱۲۹۷ ه.ق. تهیه گردیده است.
۳. گام را به ذراع و نیم که هر ذراعی بیست و چهار اصبع است میزان گرفته‌اند (دهخدا ۱۳۷۷).
۴. هر جای مقدس و مبارکی را گویند (دهخدا ۱۳۷۷).
۵. این مینیاتور در بین سال‌های ۹۴۰-۹۴۲ ه.ق. به هنگام لشکرکشی سپاه عثمانی از شهر تبریز توسط نصح مطراقچی ترسیم شده است.
۶. Yourdaydin
۷. این نقاشی در بین سال‌های ۱۰۸۴-۸۸ ه.ق. که سیاح فرانسوی «شاردن Chardin» در تبریز بوده توسط خود سیاح از بالای کوه سرخاب در شمال شهر تبریز تصویر شده است.
۸. ذرع، چون مطلق گویند معادل شانزده گز است یعنی یک متر و چهار صدم یک متر (یک گز معادل ۶/۵ سانتی متر) (دهخدا ۱۳۷۷).
۹. فرسنگ ایرانی قدیم برابر با چهارهزار و چهارصد و سی و سه یا سی و دو گز بوده است. مقدار طولی که امروز یک فرسنگ یا فرسخ به شمار می‌رود شش کیلومتر است (دهخدا ۱۳۷۷).
۱۰. Ruy González de Clavijo
۱۱. اخلاط نام شهری است از ولایت بتلیس در ساحل شمال غربی دریایچه‌ی وان (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۴۴۹)
۱۲. وجه تسمیه به امیرعلی چپ گوییا اینست که مشارالیه تیر بدست چپ می‌انداخته و محاربه با آن دست می‌کرده (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۴۶).
۱۳. این عمارت از مائر علاءالدین شیخ حسن بن تیمور تاش بن امیر چوپان است که شیخ حسن کوچک عبارت از اوست و اسم این عمارت علائیه است و اسم پادشاهی که در آن عمارت مرقوم است سلطان سلیمان است که از اولاد هلاکوخان بوده (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۴۴-۴۵).
۱۴. مقبره‌ی محمد مغربی در حظیره بابامزید ذکر شده است.
۱۵. عمارت دمشقیه محل دفن برخی از شاهان تیموری و قراقویونلو می‌باشد (بلخی ۱۳۷۵، ۱۱۴۲).
۱۶. مرقد و مزار کثیرالانوار صاحب مقامات معنوی و صوری، قریب به مزار حضرت بابامزید است (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۱۰۸) (حشری ۱۳۷۱، ۱۱۳).
۱۷. در محله ویجویه مسجدیست در کمال لطافت و نمایندگی، بانی آن منشاری و منزل او در همان کوچه مسجد در اوست؛ می‌بوده (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۱۵۹) (حشری ۱۳۷۱، ۹۴).
۱۸. مقبره‌ی مولانا عبدالصمد در درآمد چرنداب ذکر شده است.
۱۹. بابادوستم مرد دردمندی بوده ترک و مجذوب طور، طیور را باوی انسی بوده؛ در ایام سلطنت آق قویونلو وفات کرده (و حالا مزارش در سرخاب مزار معینی است.) (کربلایی ۱۳۳۵، ج ۱/ ۱۹۴).

**منابع**

۱. ابن بطوطه. ۱۳۵۹. سفرنامه ابن بطوطه، جلد ۱. ترجمه‌ی محمدعلی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. ابن فقیه. ۱۳۴۹. البلدان. ترجمه‌ی ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳. اولیاچلیبی. ۱۳۱۴. سیاحتنامه اولیا چلیبی. جلد دوم. ترجمه‌ی حاج حسین نخجوانی. تبریز: شفق.
۴. آیتی، عبدالحمید. ۱۳۴۶. وصاف الحضیره، تحریر تاریخ وصاف. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۵. بذرگر، محمدرضا. ۱۳۸۲. شهرسازی و ساخت اصلی شهر. شیراز: نشر کوشامهر.
۶. بلاذری، احمد بن یحیی. ۱۳۴۶. فتوح البلدان. ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۷. بهنام، جمشید، و شاپور راسخ. ۱۳۴۸. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران. تهران: انتشارات خوارزمی.
۸. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۹۰. تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران (از آغاز تا سلسله قاجار). تهران: انتشارات آرمانشهر.
۹. حبیب، فرشته. ۱۳۸۸. تحلیلی از تعامل فرهنگ و کالبد شهر (مطالعه موردی: اصفهان صفوی). هویت شهر ۳ (۴): ۸۳-۹۴.
۱۰. حقیر، سعید، و یلدا شوهانی‌زاد. ۱۳۹۰. چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران. باغ نظر ۸(۱۷): ۸۱-۹۴.
۱۱. حیدری، احمد، و ناصر نوورزاده چگینی. ۱۳۷۹. دخمه‌های دوران اشکانی و ساسانی در حاشیه زاگرس. مجله اثر (۳۱-۳۲): ۳۱۷-۳۲۱.

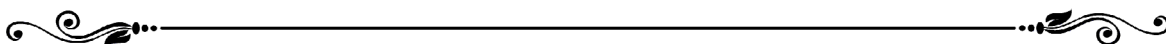




۱۲. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. *لغت نامه دهخدا*. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. دوران، ویلیام جیمز. ۱۳۷۲. *تاریخ تمدن*. جلد ۱. ترجمه‌ی احمد آرام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. ذکاء، یحیی. ۱۳۶۸. *تاریخ زمین لرزه‌های تبریز*. تهران: انتشارات کتاب سرا.
۱۵. شاردن، ژان. ۱۳۳۵. *سیاحتنامه شاردن*، جلد ۲. ترجمه محمدعباسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. شاهمندی، اکبر. ۱۳۹۲. بررسی و مقایسه‌ی طشت‌آب‌های قبور در آرامگاه‌های تخت فولاد و آرامنه اصفهان. *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی* ۱۱(۱): ۳۳-۴۴.
۱۷. طباطبایی تبریزی، محمدرضا. ۱۳۸۹. *تاریخ اولاد لاطهار*. به کوشش محمد الوان‌ساز خویی. تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۸. علی‌زاده، هوشمند، و کیومرث حبیبی. ۱۳۹۰. عوامل شکل‌دهنده‌ی شهرهای اسلامی-تاریخی مسلمانان. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی* ۱(۳): ۷۱-۷۶.
۱۹. علی‌نژاد، روجا. ۱۳۹۳. سفیدچاه، نمایه‌ای فراتر از یک گورستان: شناخت و بررسی مضامین و نقوش تصویری گورستان سفیدچاه. *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی* ۱۹(۲): ۴۹-۵۶.
۲۰. عمرانی، بهروز، و حسین اسمعیلی سنگری. ۱۳۸۵. *بافت تاریخی شهر تبریز*. تهران: انتشارات سمیرا.
۲۱. کبیر صابر، محمد باقر. ۱۳۹۱. آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان آرامنه‌ی تبریز (ریشه‌یابی و تبیین دلایل وجودی). *باغ نظر* ۹(۲۳): ۷۵-۸۲.
۲۲. کربلائی تبریزی، حافظ حسین. ۱۳۳۵. *روضات الجنان و جنات الجنان*، جلد ۱. تصحیح سلطان القرائی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۳. کلاویخو، روی گونزالس. ۱۳۳۷. *سفرنامه‌ی کلاویخو*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۴. کیانی، محمدیوسف. ۱۳۸۶. *معماری ایران دوره اسلامی*. تهران: انتشارات سمت.
۲۵. لباف خانیکی، رجبعلی. ۱۳۶۹. سنگ افراشته‌های مزارات باخزر. *اثر* ۱۸(۱۹): ۹۳-۱۱۲.
۲۶. مارکوپولو. ۱۳۳۷. *سفرنامه مارکوپولو*. ترجمه‌ی حبیب‌الله صحیحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۷. محمدبن خاوندشاه بلخی. ۱۳۷۵. *روضه الصفا، قسم ششم، تهذیب و تلخیص دکتر عباس زریاب*. تهران: انتشارات علمی.
۲۸. محمد تبریزی، محمد بن کاظم. ۱۳۸۸. *منظر الاولیاء (در مزارات تبریز و حومه)*، جلد ۱. مصحح هاشم محدث. تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۲۹. محمدی، تراب. ۱۳۹۲. *مرمت گنجینه‌ای از مقبره‌ی عرفاء و بزرگان در گورستان شادباد مشایخ تبریز*. تبریز: آرشیو میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی.
۳۰. مستوفی، حمدالله. ۱۳۳۶. *نزه القلوب*. به کوشش محمد سیاقی. تهران: طبع تهران.
۳۱. مشکور، محمد جواد. ۱۳۵۲. *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*. انتشارات انجمن آثار ملی.
۳۲. مقدسی، ابوعبدالله. ۱۳۶۱. *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه‌ی علینقی منزوی. تهران: انتشارات کومش.
۳۳. ملا حشری تبریزی، محمد امین. ۱۳۷۱. *روضه اطهار، مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز*. به اهتمام عزیز دولت آبادی. تهران: ستوده.
۳۴. میر جعفری، و بزاز دستفروش. ۱۳۸۸. *مزارات چرنداب تبریز*. پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان دوره جدید (۴): ۱۹-۴۲.
۳۵. میر جعفری، و بزاز دستفروش. ۱۳۹۱. *مزارات بیلانکوه*. پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان ۴(۴): ۱-۲۲.
۳۶. مشکور، محمد جواد (۱۳۵۲). *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*، انتشارات انجمن آثار ملی.
۳۷. مقدسی (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، جلد ۱، تهران: انتشارات کومش.
۳۸. مینورسکی، ولادیمیر. ۱۳۸۹. *تاریخ تبریز*. ترجمه‌ی عبدالعلی کارنگ. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات آیدین.
۳۹. ناصر خسرو. ۱۳۵۴. *سفرنامه ناصر خسرو*. به کوشش نادر وزین پور. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

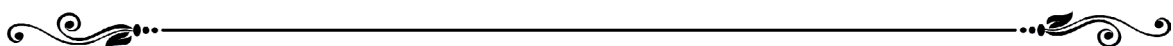
## References

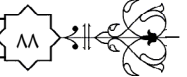
1. Alinajhad, Roja. 2014. Sefi Chah, Index beyond a Cemetery: Identifying and Studying the Themes and Visual Motifs of SefidChah Cemetery. *Honar-ha-ye-Ziba* 19 (2): 49- 56.
2. Alizadeh, Hushmand, and Kiumars Habibi. 2011. Shaping Factors of Muslims Islamic-Historical Cities. *Journal of Iranian Islamic City* 1(3): 71-76.
3. Ayati, Abd al-Hamid. 1967. *Vassaf al-Hazara*. Writing Vassaf History. Tehran: Cultural Foundation of Iran.





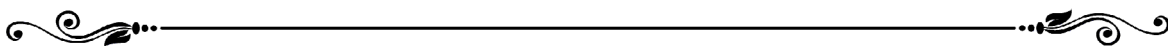
4. Balazuri, Ahmad Ibn-e Yahya. 1967. *Fotuh al-Baldan*. Translated by Azartash Azarnoosh. Tehran: Cultural Foundation of Iran.
5. Bazrgar, Mohammad Reza. 2003. *Planning and Construction of the City*. Shiraz: Kushamehr Publications.
6. Behnam, Jamshid, and Shapoor Rasekh. 1969. *Introduction to Sociology of Iran*. Tehran: Kharazmi Publications.
7. Clavijo, Roy Gonzalez De. 1958. *Clavijo Travelogue*. Translated by Masoud Rajab nia. Tehran: Translating and Publishing Books Agency.
8. Dehkhoda, Ali Akbar. 1998. *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran Press and Publishing.
9. Dorant, William James. 1993. *Civilization History, Vol.1*. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Elmi va Farhangi Publications.
10. Evliya, Celebi. 1935. *Travelogue of Evliya Celebi. Vol. 2*. Edition:1. Eghdam Publications.
11. Evliya, Celebi. 1956. *Itinerary of Evliya Celebi. Azerbaijan and Tabriz section*. Translated by Haj Hossein Nakhjavani. Tabriz: Shafagh.
12. Habib, Fereshteh. 2009. Analysis of the Interaction between Culture and Fabric of the city (Case Study: Safavid Isfahan). *Hoviatshahr* 3 (4): 83- 94.
13. Hagher, Saeed, and Yalda Shohanizad. 2011. The Improvement of Station of Cemeteries in the Cultural and Social Aspects of Sustainable Urban Development in Iran. *Baghe-Nazar* 8(17): 81-94.
14. Heidari, Ahmad, and Naser Norouz zadeh Cheghini. 2000. Catacombs of Parthian and Sassanid Era on the Fringers of the Zagros. *Asar* (31-32): 317-321.
15. Ibn-e Faqih. 1970. *Albaldan*. Translated by H.Masood. Tehran: Cultural Foundation of Iran.
16. Ibn-e Batutah. 1980. *The Itinerary of Ibn-e Batutah, Vol.1*. Translated by Mohammad Ali Movahhed. Tehran: Translating and Publishing Books Agency.
17. Jean, Chardin. 1956. *Chardin Itinerary, Vol.2*. Translated by Mohammad Abbasi. Tehran: Amirkabir Publications.
18. Kabir Saber, Mohammad Bagher. 2013 A Study if the Islamic Stone works in Tabriz Armenians Cemetry. *Baghe-Nazar* 9 (23): 75- 82.
19. Karbalayi Tabrizi, Hafez Hossein. 1956. *Razat al-Jinan va Jinat al-Jinan, Vol.1*. Edited by Soltan al-Garayi. Tehran: Translating and Publishing Books Agency.
20. Kiani, Mohammad Yousef. 2007. *Iran Islamic Architecture*. Tehran: Samt.
21. Labaf Khaniki, Rajab Ali. 1990. Raised Stone Graves of Bakhezr. *Asar* (18-19): 93- 112.
22. MarcoPolo. 1958. *Marco Polo Itinerary*. Translated by HabibAllah Sahihi. Tehran: Translating and Publishing Books Agency.
23. Mashkooor, Mohammad Javad. 1973. *Tabriz History until the End of Ninth Hejira Century*. Tehran: Publications of National Monuments Community
24. Minoreski, Vladimir. 2010. *History of Tabriz*. Translated by Abd al-Ali Karang. By Gholamreza Tabatabayi Majd. Tehran: Aidin Publications.
۲۵. Mir Jafari, and Bazzaz Dastforosh. 2009. *Graves of Tabriz Charandab*. Persian Language and Literature Researches, University of Literature and Humanities, Isfahan University New Volume (4): 19- 42.
26. Mir Jafari & Bazzaz Dastforosh. 2012. *Graves of Bilankuh*. Historical Researches, University of Literature and Humanities, Isfahan University 4 (4): 1- 22.
27. Moghaddasi, Abu abd-Allah. 1982. *Ahsan al-Taqasim fi Marafah al-Aghalim*. Translated by Ali Naghi Monzavi. Tehran: Kumesh Publicatios.
28. Mohammadi. Torab. 2013. *Restoration a Treasure of Mystics Tombs in Shadbad Cemetery of Mashayekh in Tabriz*. Tabriz: Archive of Cultural Heritage of East Azarbaijan.
29. Mohammad Ibn-e Khavandshah Balkhi. 1996. *Rozat al-Safa*, Section 6. Purification and Distillation by Dr. Abbas Zaryab. Tehran: Elmi Publications.
30. Mohammad Tabriziz, Mohammad Ibn-e Kazem. 2009. *Manzar al-Olya (Tabriz and Vicinty Graves), Vol.1*. Edited by Hashem Mohaddes. Tehran: Liberary, Museum and Document Center of the Iran Parliament Publications.
31. Mola Hashri Tabrizi, Mohammad Amin. 1992. *Rozat al-Athar, Holy Shrines and Ancient Areas of Tabriz*. By Aziz Dolatabadi. Tehran: Sotudeh.
32. Mostofi, Hamd al-Allah. 1957. *Nezhat al-Gholob*. By Mohammad Siaghi. Tehran: Tab-e Tehran.
33. Naser Khosrow. 1975. *Naser Khosrow Itinerary*. By Nader Vazinpoor. Tehran: Pocket Books Corporation.





34. Omrani, Behrouz, and Hossein Esmaeeli Sangari. 2006. *Historical Context of Tabriz*. Tehran: Samira.
35. Pakzad, Jahanshah. 2011. *The History of the City and Urbanization in Iran (from the Beginning to Qajar Dynasty)*. Tehran: Armanshahr.
36. Shahmandi, Akbar. 2013. Evaluating and Comparing the Grave Water Tubes in the Cemeteries of Takht Foolad and Isfahan Armenians. *Honar-ha-ye-Ziba* 18 (1): 33-44.
37. Tabatabayi Tabrizi, Mohammad Reza. 2010. *History of Olad al-Athar*. By Mohammad Alvansaz Khuyee. Tehran: Museum and Document Center of the Iran Parliament.
38. Yourdaydin, H.G. 1963. NasuhMatrakci, Ph.D. thesis, Ankara University, Faculty of Theology, Ankara.
39. Zoka, Yahya. 1998. *History of Tabriz Earthquicks*. Tehran: Ketab Sara Publications.

Archive of SID







## The Effect of the Cemeteries in the Development of Urban Structure of Tabriz City since Ilkhanid Era to Safavid Era

Lida Balilan Asl \*

PhD of Architecture Engineering, Arts and Architecture Department, Islamic Azad University

Fahimeh Doustar\*\*

MA. Architecture. Department of Art & Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

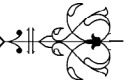
Received: 03/05/2015

Accepted: 29/09/ 2015

### Abstract

Tabriz has an old history that thanks to its proper geographical and climatical condition. This geographical situation has been made Tabriz to a permanent habitat center. This city in the early centuries of Islam has extended on the central mosque, bazaar, square and government palace. In the year 663 A.H, Abagha Khan has moved the capital from Maragheh to Tabriz. In the Ilkhanid era except for a short time at the time of the monarchy Oljaito (Mohammad Khodabandeh) since the 703-716 A.H that Tabriz and Soltaniyeh were the capital simultaneously, at other times, Tabriz has been capital and the seat of government. At the time of Ghazan Khan has have the most architectural and urban changes. After Ilkhanids in the early of 8th century, Jalayerian was also ruled this city and governed some parts of Iran. In the late 8th century that Teimorian was ruled out Samarkand and Bokhara, Tabriz was continually important city and important political-cultural center; And after that in the 9th and 10th A.H centuries and also in the Qoyunlus era till mid government of Shah Tahmasb (Safavid era) in the year of 962 A.H. Tabriz was the genuine capital city of Iran. Therefore with transferring the capital city from Maraghe by Abagha Khan to Tabriz in the Ilkhanid era, it becomes more than ever attractive for mystics, poets, saints and ministers from different parts of Iran and also neighbor countries. Also during these eras many travelers has visited Tabriz and have presented many useful information in the form of itineraries. These important people during their lives time caused to creation of some novel architectural spaces like: Khangah and Zavieh in the city that after the death of them we are witnessing the formation of the tombs and Hazireh as new urban spaces after Islam. We know that in different cultures, different approaches has taken to the deads; And Iran after Islam, is the place that in which deals to burial and the death, tomb and in the following the cemetery has a special importance. In addition, cemeteries depending on the people who are buried there, take different spatial qualities; and since the “undoubtedly the tomb is the most important monument after mosque in the Islamic era which has been seen in the most cities of Iran.” These novel spaces in many cases had an essential role in

\* lidabalilan@hotmail.com



development or city construction. This process goes-on until the middle of Safavid government and reputation of Tabriz city as the capital has continued. According to thesis of this article the tombs of mystics, poets, saints and ministers could have significant effect in the development of urban structure of Tabriz city. Proving the thesis of this research, in addition to the existence of multiple tombs of these people that have been buried in different parts of this city, there are many reliable books like Rozat al-jinan by Hafez Hossein Kabalayi in the year 975 A.H, Rozat al-Athar by Molla-Hashri in the year 1101 A.H, Olad al-Athar by Seyyed-Mohammad Sadegh Tabatabayi Tabrizi in the year 1300 A.H and Manzar al-Oliya by Mohammad Tabrizi in the year 1315 A.H. We can present a rigorous classification from mystics, poets, saints and ministers according to a study of mentioned books to fit the 5 periods between 7th to 10th centuries. Also to ensure more, other small studies about the research subject is investigated named literature. Now the question of this article arises that: whether the Tombs of mystics, poets, saints and ministers have the effect in the development of urban structure of Tabriz city in the capital times of this city that's Ilkhanid Era to Safavid Era? Therefore, the aim of this research is to investigate the effect of cemeteries in the development of urban structure of Tabriz city since seventh century to tenth century of hegira that coincides with Ilkhanid government to Safavid in Tabriz. For doing so, introducing books including Rozat al-jinan, Rozat al-Athar, Olad al-Athar and Manzar al-Oliya seems necessary. For fulfilling the research main goal, the data were collected by descriptive method using the library and field approach (implement); also the collected data were analyzed in analytical and comparative way. In order to respond to the research question, a method involving four steps was used: 1.classification of the people and cemeteries, 2.using manner of introducing the cemeteries in order to identify the Tabriz architectural and urban elements in the past, 3-referring to the travel books subjects in different periods and 4-adaptation of the former steps findings and responding to the research question. The findings of this research revealed that cemeteries were effective factors in construction of Ghazanid fort in Ilkhanid period. Also, cemeteries of the famous people had a significant impact on development of some routes such as the connective route of the two complexes of Rabe Rashidi and Shanb Ghazan in the eastern and western parts of the city and location of some architectural outstanding elements like Dameshqiye building, Shah Hossein Valy shrine and Kamal Khojandi's convent and consequently urban spaces such as Seyyed Hamzeh complex which is known as Magbarat al-Shoara. In addition, existence of Hazireh and aggregation of tombs have been led to the formation of famous cemeteries like Sorkhab, Gajil, Charandab and Qolle in the city of Tabriz.

**Keywords:** Tabriz city cemeteries, Tabriz urban structure, Ilkhanid, Safavid.

